

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فصلنامه علمی تخصصی مطالعات مهدوی

سال یازدهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۴۰۰

<p>صاحب امتیاز: پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛</p> <p>مدیر مسئول: حجت الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان</p> <p>سر دبیر: سعید توسلی خواه</p> <p>مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: حجت الاسلام و المسلمین سید علی کاظمی</p> <p>ویراستار: محمد رضا مجیری</p>	<p>اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا): توسلی خواه، سعید (دکتری مدرسی معارف اسلامی و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت)</p> <p>حیدری چراتی، حجت (فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت)</p> <p>کامیاب، مسلم (فاضل حوزوی و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا)</p> <p>مصلحی، علی (فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت)</p> <p>معنوی، سید مجتبی (فاضل حوزوی و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا)</p> <p>ملایی، حسن (فاضل حوزوی و مدیر گروه اخلاق تربیت مرکز تخصصی مهدویت)</p> <p>همکاران این شماره: محمد غلامی</p>
---	---



آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه) کوی ۳۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴.
تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰؛ دورنگار: ۰۲۵۳۷۳۷۱۶۰؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹

پست الکترونیکی: mahdaviimag@gmail.com

وب سایت نشریه: www.mahdimag.ir

کانال مجازی: [@mahdaviatmag](https://www.instagram.com/mahdaviatmag)

شماره شاپا: ۶۱۰۸-۲۶۷۶

قیمت: ۹۵۰۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و نگارش مقالات

مقاله‌های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعود گرایی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط عمومی

۱. مقاله با مباحث مهدویت ارتباط مستقیم داشته باشد.
۲. حجم کل کلمات مقاله بین ۳۶۰۰ تا ۷۰۰۰ هزار هر صفحه ۳۰۰ کلمه باشد.
۳. فونت متن مقاله B Nazanin با شماره ۱۴ و پاورقی ۱۰ باشد.
۴. فونت آیات پررنگ باشد.
۵. ترجمه آیات و روایات ذکر شود.
۶. ترجمه کلمات عربی و انگلیسی و مفاهیم مهم در پاورقی ذکر شود.
۷. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود.

ب) نحوه تنظیم مقاله

نظم و ترتیب منطقی مباحث رعایت شود.

۱. **چکیده:** چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که شامل مسئله مقاله و تبیین آن باشد
۲. **واژگان کلیدی:** شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.

۳. **مقدمه:** مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می‌پردازد.

۴. **بدنه اصلی:** بدنه اصلی، محتوای تخصصی بوده و می‌بایست موارد ذیل مد نظر قرار گیرد:

- ۴-۱. تبیین مباحث پیرامون مهدویت؛
- ۴-۲. افزایش سطح دانش و آگاهی و گسترش مباحث مهدویت؛
- ۴-۳. نقد و نظر پیرامون مباحث مهدویت؛
- ۴-۴. آشنا سازی مخاطبان با مفاهیم حوزه مهدویت.

۵. جمع بندی یا نتیجه گیری:

- جمع بندی بیانگر کلیات مباحث مطرح شده در متن مقاله می‌باشد. به گونه‌ای که مسئله و ادله و جواب‌ها به صورت کلی و خلاصه ذکر می‌شود.

- نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان

می‌شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. ارجاعات: ارجاع به صورت پاورقی و به صورت ذیل آورده شود.

۱-۶. کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.

۲-۶. مجله: نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.

۳-۶. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.

۷. ارجاع پایانی (فهرست منابع): شناسنامه کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس شیوه‌های ذیل آورده شود:

۱-۷. کتاب: نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب (پر رنگ)، مترجم / محقق / مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ.

۲-۷. مجله: نام خانوادگی، نام، عنوان مقاله (پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر.

۳-۷. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل.

۴-۷. نرم افزار: نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

ج) تذکرات

۱. فصلنامه با تلخیص و تقطیع مطالب (با حفظ مفهوم) آزاد است.

۲. مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد.

۳. نتیجه ارزیابی مقالات حداکثر تا ۳ ماه به نویسنده اعلام خواهد شد.

مطالب مندرج در فصلنامه صرفاً دیدگاه نویسنده بوده و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست.

د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. حضوری: مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲. غیر حضوری (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی)

۱-۲. از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹

۲-۲. از طریق سایت به آدرس: www.mahdimag.ir

۳-۲. از طریق رایانامه به آدرس: mahdavimag@gmail.com

۴-۲. از طریق فضای مجازی به آدرس: [@mahdaviatmag](http://mahdaviatmag)

فهرست مطالب

۵.....	مقالات
۷.....	ترفندشناسی جریان‌های انحرافی در مقابله با فرهنگ مهدوی
	حجت حیدری چراتی
۲۳.....	بررسی آیات مهدوی سوره مبارک انبیاء.....
	سید محمد جواد احمدی
۴۳.....	بررسی لقب «حجت‌الله» از منظر روایات ائمه معصومان <small>علیهم‌السلام</small>
	سیدحسین شریفی
۵۵.....	بررسی و نقد دیدگاه ویلفرد مادلونگ درباره جهان پس از مهدی <small>علیه‌السلام</small>
	سید علی کاظمی
۷۳.....	پیوست‌ها
۷۴.....	معرفی موضوع پژوهشی.....
۷۵.....	معرفی پایان نامه‌های مهدوی.....
۸۲.....	معرفی کتاب‌های مهدوی.....
۸۹.....	ترجمه چکیده مقالات – انگلیسی

مقالات

ترفندشناسی جریان‌های انحرافی در مقابله با فرهنگ مهدوی

حجت‌حیدری چراتی^۱

چکیده

بهره‌مندی از لذت‌های دنیایی و سوءاستفاده از ناآگاهی‌ها، همواره ارزش‌ها و باورهای یک جامعه را تهدید کرده و به سوی انحراف کشانده، زمینه‌ساز افکار مضر انحرافی می‌شود. اقدامات صحیح و مناسب، جامعه را از گرفتاری در دام فرقه‌های انحرافی و جریان‌ات مخل در درون جامعه دینی نجات می‌دهد؛ از این رو، برای مقابله با ترفندهای انحرافی ضروری است فرهنگ مهدوی را بشناسیم و ضمن ارتقای سطح آگاهی افراد جامعه، راهکارهایی بیندیشیم تا اصالت مهدویت محفوظ بماند.

مقاله پیش‌رو به مهم‌ترین این ترفندها پرداخته و از حیث زمانی، تمام ادوار مطرح در مسئله مهدویت را دربرداشته و از لحاظ مکانی، ممالک اسلامی را در نظر داشته است. براساس یافته‌ها، استفاده از غلیان احساسی افراد و سوءاستفاده از ناآگاهی‌ها، زمینه مناسبی برای تهمت‌ها و افتراها و رواج شبهات و شایعات و تأویل‌های انحرافی متون مهدوی را فراهم آورده است. این جستار با روش توصیفی-تحلیلی و با جمع‌آوری مطالب، به‌صورت کتابخانه‌ای به مطالعه اسناد و مدارک پرداخته است.

واژگان کلیدی: مهدویت، جریان انحرافی، ترفند، فرهنگ.

مهدویت از دیرباز، باوری اصیل در میان باورمندان اسلامی بوده و جایگاه مهمی داشته است؛ از این رو همانند بسیاری از اندیشه‌های باورمحور در طول تاریخ به جهت عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی دچار تطور و تحول و فراز و فرود تاریخی شده است. جریان‌های انحرافی با بهره‌گیری از مسائل معنوی و مؤلفه‌های مهدویت، ترفندهای گسترده شبه‌معنوی برای جذب مردم داشته‌اند. این پژوهش در نظر دارد، به بیان بخشی از مهم‌ترین و شایع‌ترین ترفندهای انحرافی در زمینه مؤلفه‌های مهدوی بپردازد، تا بتواند با روشنگری و ایجاد زمینه‌های آگاهی‌بخشی گامی در جهت حفظ و نگهداری از فرهنگ مهدوی بردارد. در همین راستا به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات بوده است: آسیب‌ها و چالش‌های جریان‌های انحرافی در مقابله با فرهنگ مهدوی چیست؟ چگونه می‌تواند در برابر ترفندهای جریان‌های انحرافی ایستادگی کرد؟ چگونه باید موانع فرهنگ‌سازی برای ایجاد جامعه مهدوی را برطرف نمود؟ فرضیه مطرح شده در این پژوهش، این است که ترفندهای جریان‌های انحرافی در ایجاد موانع و جلوگیری از به ثمر نشستن کامل فرهنگ مهدوی، رابطه همگن دارد.

ضرورت انجام این نوشتار این است که حوزه مهدویت در ابتدای امر، یک باور اعتقادی و یک اندیشه دینی در میان مسلمانان بوده است و در این فرایند، با مواجهه این اندیشه با انظار و افکار مختلف گروه‌ها و با پیدایش پرسش‌ها و شبهات گوناگون افراد، ناگزیر ترفندهایی به وجود آمدند که حاصل آن، جریان‌های انحرافی هستند. جامعه‌ای که دارای آرمان‌های مهدوی بوده و در تلاش است فرهنگ مهدوی را در بستر عام جامعه تا رسوخ در اذهان خواص و نخبگان پی بگیرد، شایسته است از موانع ایجاد شده اطلاع داشته باشد، تا با برنامه‌ریزی‌های مؤثر، فرهنگ غنی مهدوی را در جامعه نهادینه سازد.

شناخت اهداف و برنامه‌های جریان‌های انحرافی بر ضد مبانی مهدوی، ضروری است، تا از این طریق، موانع را شناسایی کرده، برای رفع آن‌ها اقدام شود. هدف از این نوشتار نیز تحلیل و بررسی ترفندهای جریان‌های انحرافی در راستای مقابله با فرهنگ مهدوی است.

مفاهیم نظری

تعریف واژه‌های مورد تحقیق در نوشتار حاضر برای روشن شدن بحث، یکی از ملزومات مقاله است، بدین منظور برآنیم کلماتی که پایه و اساس مقاله هستند و در روشن شدن منظور محقق نقش دارند را

در جملاتی مختصر معرفی کنیم که عبارتند از:

فرهنگ مهدویت: فرهنگ مهدویت عبارت است از مجموعه باورها، اندیشه‌ها و اصول اعتقادات مرتبط با امام مهدی علیه السلام و ارزش‌ها، رفتارها و هنجارهای مرتبط^۱.

جریان‌های انحرافی: جریان‌های انحرافی با بهره‌گیری از مسائل معنوی و مؤلفه‌های مهدویت، ترفندهای گسترده شبه معنوی برای جذب مردم داشته‌اند. سوء استفاده از منابع و متون دینی و مهدوی و به کار بردن ترفندهای مختلف فرهنگی و اجتماعی از شاخصه‌های دشمنان و فرصت‌طلبان است؛ مجموعه این گروه‌های منسجم و سازمان‌یافته را جریان‌های انحرافی می‌نامیم.

شگردهای مدعیان در جذب افراد

مدعیان دروغین مهدویت، فرق و... در ابتدای شروع فعالیت‌ها به صورت فردی عمل می‌کردند؛ اما امروزه شاهد هستیم، به صورت گروهی به فعالیت خود حالت سازمانی داده‌اند، تا به صورت منسجم‌تر و با ضریب خطای پایین‌تر بتوانند به اهداف خود دست یابند و این زنگ خطری جدی برای جامعه اسلامی است و هوشیاری بیشتری را از سوی دلسوزان و کارشناسان برای مقابله با این جریان‌های انحرافی می‌طلبد. این گروه‌های انحرافی، به شدت در حال بررسی و مطالعه منابع دینی و عقیدتی شیعه در موضوعاتی مانند مهدویت هستند. حرکت مذکور، بیانگر این حقیقت است که دشمنان برای ضربه زدن به مقدسات، دست به هرکاری می‌زنند. در نتیجه این فعالیت‌ها، آسیب‌ها و چالش‌هایی ایجاد می‌شود که به چندی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. نجات از عذاب الهی

در میان مهم‌ترین ترفندهایی که با سوء استفاده از زمینه‌سازی ظهور اتفاق می‌افتد، این است که مدعیان، فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را همان وعده الهی معرفی کنند که در صورت نپیوستن به آن، عذاب الهی در انتظار مردم خواهد بود؛ در این صورت مردم و پیروان آن‌ها چنین تصور می‌کنند که هرچه سریع‌تر باید آموزه‌های وی عملی شود، تا از خطر حتمی نجات یابند. این تهدید به دلیل احساسی کردن فضا، فرصت دقت و تأمل در ادله مدعیان را از اذهان عمومی می‌گیرد. در واقع، حقیقت در این فرقه‌ها، نبود دلایل اقناع‌کننده و مستندات لازم برای ادعاهایشان است. با این ترفند، اذهان

۱. عظیمی، درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن، ص ۱۵۵.

عمومی به سمت مسائل احساسی منحرف می‌شود؛ برای نمونه در گفتار احمد اسماعیل بصری (مدعی یمانی)، این ترفند را می‌توان در قالب شش مرحله تبیین کرد:

اول. بر اساس آیات قرآن، نزول عذاب الهی اتفاق نمی‌افتد، تا زمانی که از جانب خداوند فرستاده‌ای بیاید؛^۱

دوم. نزول این عذاب حتمی است؛ سوم. نشانه‌های این عذاب، در حال تحقق است و در قالب همین نشانه‌های ظهور اتفاق می‌افتد؛ مانند زلزله‌ها، آتشفشان‌ها و دیگر حوادث طبیعی؛^۲

چهارم. حجت الهی که همان یمانی است با نشانه‌های حجت الهی (ظهور) تطبیق می‌کند و در همین راستا قیام سه نفر، یعنی خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال، در یک ماه و در یک روز واحد است.

پنجم. هدایت کننده‌ترین پرچم، پرچم یمانی است. او به حق هدایت می‌کند؛^۳ ششم. یمانی هم دارای نشانه‌هایی مانند وصیت و پرچم است که احمد الحسن حامل این وصیت و نجات مردم از عذاب است.^۴

برای فرهنگ‌سازی در راستای زمینه‌سازی و یا نهادینه‌کردن آموزه‌های مهدویت نیاز است نهادها یا مراکز موظف در جهت آگاهی دادن به طبقات عام و خاص جامعه، مسیر را به سمت تخصص‌گرایی پیش ببرند؛ به گونه‌ای که افراد مختلف با سلايق متفاوت بتوانند به ایشان مراجعه کرده، از گرفتاری در دام چنین ادعاها و فرقه‌هایی جلوگیری کنند. از جمله حوزه‌های علمیه با تعریف برنامه‌های جامع برای طلاب مشتاق به مباحث مهدویت به صورت عمیق از نظر علمی و عملی، تقویت و از ظرفیت آنان استفاده کند.

۱. «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا» سوره اسراء، آیه ۱۵.

۲. به طور خاص، برای تطبیق نشانه‌های ظهور و حوادث طبیعی می‌توان به آتشفشان سال ۲۰۱۰ ایسلند اشاره کرد که دود فراوانی به پا کرد و ادعا کردند نام احمد بر اثر آن دود ایجاد شد و این همان نشانه مهم ظهور است که در آیه با عنوان «فار التنور» ذکر شده است: (سوره هود، آیه ۴۰) و نتیجه، آن است که اگر به مدعی یمانی نپیوندید، نشانه‌های عذاب الهی ظاهر و همگی دچار عذاب می‌شوند.

۳. بصری، ادله جامع یمانی، ص ۱۷.

۴. همان، ص ۴۹.

یکی از آسیب‌ها و چالش‌ها، مراجعه خودجوش این دسته از طلاب به قرآن و روایات برای ارتقای سطح دانش خود در حوزه مهدویت می‌باشد؛ در حالی که تفسیر قرآن و فهم حدیث، نیازمند علوم خاصی است و افرادی که آگاهی لازم در این زمینه را ندارند، اگر به سراغ آن بروند به اشتباه می‌افتند. از طرف دیگر، طرح روایاتی از جانب فرقه‌ها که در کتب روایی مطرح شده‌اند، ولی از طرف متخصصان به آن پرداخته نشده است، عاملی برای سوءاستفاده رهبران فرقه‌ها شده و به دلیل ناشناخته بودن اصل و منظور روایت، در پوسته‌ای از حقیقت برای اثبات حقانیت به نمایش درآورده می‌شود.

۲. حذف موانع روشنگری

مسئله عامل مهم حفظ مردم از انحرافات اعتقادی و آسیب‌های مختلف فرهنگی، کسانی هستند که هم توان علمی آن را دارند و هم از نظر صلاحیت‌های معنوی و اخلاقی، مقدم هستند که این خصوصیات در عالمان اسلامی واجد شرایط جمع می‌شود. امام هادی علیه السلام می‌فرماید:

اگر بعد از غیبت قائم ما، علمایی که به سوی او [مردم را فرا] می‌خوانند و به وجود او رهنمون می‌شوند و با حجت‌های الهی از دین او دفاع می‌کنند و بندگان ناتوان خدا را از دام ابلیس و پیروان او می‌رهانند، وجود نداشتند، بی‌گمان همه مردم، از دین خدا برمی‌گشتند.^۱

مدعیان برای تزریق عقاید انحرافی به فرهنگ عمومی، باید موانع را حذف کنند؛ از این رو برای رد جایگاه عالمان، به روایاتی تمسک می‌کنند که در آن فقهای آخرالزمان را بدترین فقها و عالمان معرفی نموده‌اند.^۲ بله، این روایات در منابع ما وجود دارد؛ اما:

اولاً، بعضی روایات از جهت سند ضعیفند؛ ثانیاً، بعضی شامل علمای غیر شیعه‌اند؛ ثالثاً، در مورد علمای غیر عامل و فاسدند؛ رابعاً، این در حالی است که در روایات مکرر، مردم در دوران غیبت به عالمان واجد شرایط ارجاع داده شده‌اند. وجود برخی عالمان فاسد دلیل نمی‌شود که از علم و علما فاصله بگیریم و به سمت جهل و انحراف قدم برداریم.

نکته دیگر آنکه بیشتر این روایات در مورد علمای سوء غیرشیعی است که با فتاوای غیرعلمی و

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۶

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ يَسْمُونَ بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ غَامِرَةٌ وَ هِيَ خَزَابٌ مِنَ الْهَدَى فُقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شُرُفُ فُقَهَاءِ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتْ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَعُودُ (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۰۷).

موضوع‌گیری‌های انحرافی هم‌جهت با طواغیت و دشمنان اسلام حرکت می‌کنند. این ترفند، یکی از مهم‌ترین اشتراکات جریان‌های انحرافی است تا بتوانند بستر پذیرش ادعای خود را فراهم کنند؛^۱ برای یک نمونه در جریان بهائیت، حسینعلی نوری (مؤسس بهائیت)، فقط در یک اقدام، حاج محمدباقر و فرزند او، آقا نجفی (از علمای زمان خود) را گرو و گروگ زاده خواند؛ در حالی که این عالمان برخلاف رویکرد استعمارپسند بهائیان، در برابر حملات قشون عثمانی ایستادند و در ترویج کالاهای داخلی از طریق شرکت‌هایی مانند شرکت اسلامیة نقش داشتند و همواره در راه حقوق مردم (مانند توفیق اصل مشروطه)^۲ استقلال کشور و ترویج علم و فرهنگ (تأسیس و حمایت از مدارس جدید) نقش مستقیم داشتند.^۳

نمونه دیگر در فعالیت‌های جریان موسوم به تشیع انگلیسی دیده می‌شود که در شبکه‌های رسانه‌ای آن‌ها به تخریب عالمان و مجتهدان و مراجع تقلید می‌پردازند؛ از جمله، تشکیل حکومت اسلامی (که حاصل چندین قرن مجاهدت عالمان و شهیدان است) را تحقق اهداف کمونیستی و وهابی می‌دانند؛ اما فعالیت‌های تفرقه‌افکنانه خود (مثل ترویج هفته برائت در برابر هفته وحدت) که باعث تحریک مذاهب می‌شود را هدایتگری و روشنگری جلوه می‌دهند.^۴

برای مقابله با این آسیب و برای تقویت فرهنگ مهدوی، نیاز است کارگزاران امر مهدویت با درایت، به ساده کردن امور و علوم در میان عامه مردم و تخصص‌گرایی در بین خواص جامعه علمی بپردازند و برای رجوع آسان‌تر افراد مشتاق، اساتید در دسترس باشند و در مراکز معنوی همچون مساجد یا اماکن

۱. مانند فعالیت‌های جریان احمد اسماعیل (مدعی یمانی) در رد کردن عالمان دوره آخرالزمان. ر.ک: دو جلد کتاب به نام العجل، نوشته احمد اسماعیل بصری در رد عالمان با تشبیه جریان عالمان به سامری و گوساله مصنوع وی.

۲. نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت خارجه، ص ۱۹۰؛ راین، فراموشخانه، ج ۲، ص ۳۲۴.

۳. ابوالحسنی منذر، تأسیس شرکت اسلامیة، کیهان، شماره ۱۸۸۶۰.

۴. ر.ک:

<https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&src=s&source=video&cd=3&cad=rja&uact=8&ved=0ahUKewjgl9vytOTmAhWStHEKHZQqBDgQtwIILzAC&url=https://3A/2F/2Fwww.youtube.com/2Fwatch/3Fv/3DyBMsIdFKj20&usg=AOvVaw1-RZ1bNtw1G4i25xatFgh>

و نیز: اسحاقیان و حیدری چراتی، «تشیع انگلیسی را با این صفات بشناسیم»، خبرگزاری فارس.

<https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&src=s&source=video&cd=3&cad=rja&uact=8&ved=0ahUKewjgl9vytOTmAhWStHEKHZQqBDgQtwIILzAC&url=https://3A/2F/2Fwww.youtube.com/2Fwatch/3Fv/3DyBMsIdFKj20&usg=AOvVaw1-RZ1bNtw1G4i25xatFgh>

متبرک، جایگاهی برای این امر در نظر گرفته شود. در غیر این صورت، باید میدان روشنگری مهدویت، جولانگاه فرقه‌های انحرافی باشد و آموزه‌های اصیل با جعلیات و خرافه‌های دشمنان دینی محاصره شود.

۳. استفاده از عرفان‌های جعلی

گرایش به معنویت و عالم غیب، یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ مهدوی است. در آیاتی از قرآن، ایمان به غیب مورد تأکید واقع می‌شود و از مصادیق غیب، امام زمان علیه السلام معرفی شده است؛^۱ اما معنویت حقیقی مؤلفه‌های خاص خود را دارد؛ مانند مبانی فکری صحیح، ایمان و عمل بر اساس اجتهاد دینی. با این حال در جریان‌های انحرافی، معنویت را به دسترسی به برخی از ظواهر معنوی (آن هم به شکل ادعایی) خلاصه می‌کنند؛ مثل ادعای دسترسی به عالم غیب و نیز ملاقات با امام زمان علیه السلام و کسب مأموریت از ایشان.

این رویکرد باعث بروز انحرافات متعددی می‌شود؛ مثلاً در جریان‌هایی مانند قادیانی، ابطحی و یعقوبی، آموزه‌های خود را منتسب به علوم غیبی و معلم معنوی غیبی می‌نمایند؛^۲ برای نمونه غلام احمد قادیانی (مؤسس فرقه) از احمد بیگ (یکی از اقوامش) خواست که دختر جوان خود را به ازدواج وی درآورد (با آنکه غلام احمد اختلاف سنی چند برابری با آن دختر داشت) و ادعا کرد این وعده الهی و غیبی است که با آن دختر ازدواج خواهد کرد. پس از مدتی آن دختر با دیگری ازدواج کرد و باز غلام احمد ادعا کرد از عالم غیب خبر می‌دهد که آن شوهر خواهد مرد، البته گذر زمان هم نشان داد همه این ادعاها دروغ بوده است.^۳

یکی از نتایج این ترفند، سوق دادن مردم به ملاقات‌گرایی در بحث مهدویت و ایجاد چالش

۱. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «هر کس به ظهور امام زمان اقرار کند، ایمان به غیب آورده است. متقین در این آیه شریف، شیعیان علی هستند و «غیب» حجت غایب است. دلیل این معنا، آیه «فقل انما الغیب لله فانظروا انی معکم من المنتظرین؛ ای پیغمبر، بگو غیب مال خداست پس منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم» است (سوره یونس، آیه ۲۰). در این آیه، گروهی دیگر از مفسران، حضرت مهدی علیه السلام را از مصادیق «یؤمنون بالغیب» دانسته، یکی از ویژگی‌های آن حضرت را غایب قلمداد کرده‌اند (صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۷).

۲. ر.ک: یعقوبی، سلسله بحث‌های به سوی ظهور و نظام عالم؛ اسحاقیان، اشباح انحراف؛ طاهری مؤسس عرفان کیهانی، نتیجه امواج تهاجم علیه هوشمندی مثبت الهی، فصل اول.

۳. اسحاقیان درجه، پیچک انحراف، ص ۹۶-۹۷.

افسانه‌گرایی در این موضوع می‌شود و در اثر آن، اصل مهدویت نیز در افکار عمومی مخدوش می‌شود. البته اصل امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام امری است که دلایل خود را دارد. گزارش‌های فراوانی در کتاب‌های مختلف وجود دارد که افرادی از عالمان فرهیخته تا انسان‌های معمولی، امام را مشاهده کرده‌اند و حتی برخی از آن‌ها موفق به گفت‌وگو با آن حضرت شده‌اند. این گزارش‌ها آن قدر فراوانند که چند تن از علمای شیعه همچون شیخ حر عاملی، سید عبدالله شبر و آیت‌الله صافی گلپایگانی در مورد آن ادعای تواتر را مطرح کرده‌اند. افزون بر اینکه گاه گزارشگران، عالمان موثق و بزرگ و مشهورند.^۱

مهم این است که جریان‌های انحرافی با ادعاهای بدون دلیل و اغراق‌آمیز، وارد این عرصه شده‌اند و مهم‌تر اینکه به دنبال ادعای ملاقات، دریافت مأموریت، حقانیت فرقه خود و تصمیمات و آثار خود را به این ملاقات پیوند زده‌اند.

از راهکارهای درمانی در برابر عرفان‌های جعلی همچون عرفان حلقه، رونمایی از انواع آن‌ها و معرفی رهبران آن‌ها می‌باشد؛ زیرا مخفی نگه داشتن این امور از آسیب‌های جدی بر افکار و انتخاب‌های افراد جامعه است؛ بالعکس با مطرح کردن موازین آن‌ها و به نقد و بررسی گذاشتن خرافه‌های موجود در آموزه‌هایشان، یکی از بهترین راه‌های مقابله در برابر چالش‌های عرفان حلقه می‌باشد.

۴. کرامت سازی

اصل وجود کرامات و خوارق عادات، علاوه بر معصومان علیهم السلام در سطوح پایین‌تر، در مورد برخی عالمان و عارفان حقیقی اتفاق افتاده است؛ اما در سیر تاریخی فرقه‌ها و گروه‌هایی مانند صوفیه از چنین مسأله‌ای به عنوان یکی از مهم‌ترین ترفندها برای جذب عوام استفاده کرده‌اند. گاهی نقل این کرامات حتی از سادگی و حقیقت ماندنی، به اغراق می‌گراید؛^۲ به گونه‌ای که جای هیچ توجیهی در آن باقی نمی‌ماند^۳ این ادعاها در قالب‌های متعدد بوده است؛

۱. محمدی ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۸۳.

۲. رک: منصور کیانی، عارف سازی و معرفت سوزی.

۳. قربانیور آرانی و حیدری رامشه، از کرامات تا خرافات (با تأکید بر اسرار التوحید و مقامات ژنده‌پیل)، مجله ادیان و عرفان، دوره ۴۷، شماره ۲.

مانند خیر از آینده، تسلط بر عالم تکوین،^۱ شفادهی همه بیماری‌ها؛^۲ برای نمونه، علی یعقوبی در ادعایی چنین مطرح کرده است: «معلم غیبی به من گفته تو اولین کسی هستی که وقت ظهور می‌رسی؛ پس من وقت ظهور، قبل از امیرالمؤمنین علیه السلام (برای تحقق بسترهای ظهور امام زمان، و به عنوان رجعت کننده) خواهم آمد و در آنجا قبل از این که حضرت امیر رجعت کنند، من هستم و به شما (اعضای جلسه و پیروان و مردم دیگر) می‌گویم که چرا فلان جا این کار را کردی؟» (یعنی از افعال شما به صورت غیبی مطلعم و در دوره ظهور و رجعت، از مردم بازخواست می‌کنم).^۳

یکی از علل اصلی تأثیرگذاری و رشد مدعیان دروغین مهدویت، جهل مردم است. بی تردید می‌توان جهل و نادانی را یکی از عوامل اصلی همه انحرافات در تاریخ اسلام دانست. بسیاری از افرادی که در دام چنین مدعیانی گرفتار می‌شوند، در حقیقت جویندگان آب هستند؛ اما چون آب واقعی را ندیده و نشناخته‌اند، به دنبال سراب راه افتاده‌اند و با نظاره کردن برخی کرامات جعلی و ساختگی، شیفته و واله مدعیان می‌شوند؛ از این رو، به هوش بودن متولیان فرهنگ‌سازی مهدویت و معرفی صحیح کرامت و معجزه می‌تواند از به دام افتادن افراد بدون اطلاع و ایجاد هزینه‌های روانی جبران‌ناپذیر جلوگیری کند.

۵. ارجاع به منابع دروغین و غیر معتبر

مدعیان در اثبات ادعاهای خود یک روش مشترک به نام جعل، تقطیع و تحریف نیز در استفاده از روایات دارند. در جریان مدعی‌یمانی به دو کتاب «مئتان و خمسون علامه»^۴ و «المفاجاة»^۵ استناد کرده‌اند که مطالب این کتب، ریشه تاریخی و روایی درست ندارد و جعل حدیث در آن اتفاق افتاده است.^۶ این نوع از ناآگاهی‌ها گاهی حتی در سطوح بالای علمی نیز قابل مشاهده است. این نوع از ارجاعات به نوعی عوام‌فریبی به حساب می‌آید؛ زیرا عوام‌فریبی به این معناست که شخصی به جای استدلال و اقامه برهان، برای اثبات یک عقیده، سعی می‌کند از راه تحریک احساسات و هیجان‌های

۱. رک: زندگی نامه شیخ احمد احسائی، اثری از فرزند وی عبدالله. ارتباط مداوم با تمام ائمه علیهم السلام و دریافت مأموریت از طریق عالم غیب و علوم خاص الهی، از جمله دعای رهبر شیخیه است.

۲. رک: اسحاقیان، پیچک انحراف، مرکز تخصصی مهدویت.

۳. یعقوبی، چهل شب با کاروان حسینی، سخنان شب اربعین، ۱۳۸۰/۲/۲۳.

۴. محمدعلی حسینی طباطبایی.

۵. محمد عیسی داود.

۶. رک: شهبازیان، ره افسانه، ص ۳۵ و ۳۹.

جمعی تکیه بر عواطف و جو حاکم، نوعی اقبال عمومی نسبت به نتیجه مطلوب خود به دست آورد. شخص عوام‌فریب در صدد است به دیگران القا کند اگر سخنان او را نپذیرند، گویی با جمع مخالفت کرده‌اند. در عوام‌فریبی، شخص گروه زیادی از مردم را مخاطب قرار داده و با بیاناتی هیجان‌آور و شورانگیز، احساسات و عواطف آنان را تحریک می‌کند. در عوام‌فریبی، مطلب چنان به فرد القا می‌شود که می‌پندارد همه اطرافیان آن را پذیرفته‌اند و نپذیرفتن آن، جا ماندن از کاروان است.^۱

جریان یمانی به متنی استناد می‌کند که چنین است: پیامبر ﷺ فرمود: «پادشاهی در عربستان می‌آید که نامش اسم حیوانی است. مانند ملک فهد... از دور که نگاهش کنیم، در چشمش لوجی می‌بینی». پس پیامبر ﷺ به ملک فهد اشاره می‌کند، بعد می‌گوید: «این ملک فهد برادری دارد به نام عبدالله و وای بر شیعیان ما از دست ملک عبدالله. هر کس مرگ عبدالله را به من بشارت دهد، من هم بشارت ظهور را به او می‌دهم». این تصور و پیش‌گویی نزد عوام شیعه هم امری مشهور و مقبول تلقی شده است؛ اما این حدیث جعلی است و در هیچ مصدر حدیثی وجود خارجی ندارد؛ هرچند به دروغ، آن را به کتاب مسند احمد نسبت می‌دهند. شخصی به نام حسنی طباطبایی دو دهه پیش این حدیث را جعل کرده است.^۲

نمونه دیگر، حدیثی مشهور بین مردم است مبنی بر اینکه امام زمان ﷺ دین جدیدی می‌آورد. علی محمد باب با استناد به این روایت، دین جدید آورده است؛ در حالی که در هیچ منبع حدیثی، چنین لفظی نداریم. هیچ امامی نفرموده دین اسلام نسخ می‌شود و امام دین جدید می‌آورد.

۶. سوء استفاده از روایات و تطبیق‌گرایی

مهم‌ترین فرقه‌ای که بیشترین سوء استفاده را از روایات غیبت کرد، «واقفه» بود. آنان ادعا کردند که موسی بن جعفر ﷺ همان مهدی است و در غیبت به سر می‌برد و گزارش شهادت آن حضرت را توجیه کردند.^۳ آنان روایات باب غیبت را نقل و آن‌ها را درباره امام کاظم ﷺ و عقاید خود تأویل می‌کردند. جالب آنکه اولین کتاب‌ها در موضوع «غیبت» به وسیله برخی سران واقفیه و به منظور اثبات مدعای خود درباره غایب شدن امام هفتم ﷺ نوشته شد و در آن، ضمن بیان روایات منقول از امامان، به

۱. خندان، مغالطات، ص ۷۰.

۲. شهبازیان، ره افسانه، ص ۳۵.

۳. نوبختی، فرق الشیعة، ص ۱۱۸.

طرح مسئله غیبت پرداختند.

علی بن حسن طائی^۱ معروف به طاطری و ابن سماعه^۲ هر دو از سران واقفیه هستند و اولین کتاب‌های غیبت را هم این دو نگاشتند. این کتاب‌ها در فاصله پنجاه سال پیش از آغاز غیبت امام دوازدهم نوشته شدند. همچنین «ابن تومرت» از مدعیان مهدویت برای خود نسب نام‌های علوی ساخت تا «مهدی» بودن وی با روایتی که فرموده: «مهدی از عترت من است، یا از اولاد من است»^۳ هماهنگ باشد.

سعد محمد حسن در کتاب «المهدیة فی الاسلام» می‌نویسد:

ابن تومرت بربری لحما و دما و لذلک فنحن ندرجه فی قائمه «المهدیین من غیر آل البیت» و آن اختلق هو لنفسه نسبة عربیة ینتهی به الی علی بن ابی طالب أوالی الرسول نفسه، کی یعتمد علیه - شأن غیره من المهدیین - فی ادعائه «المهدیه» و لکی تؤیده مجموعه الاحادیث المفصله التي لا تنصر مهدی من غیر آل البیت.^۴

«ابن تومرت» به مردم یادآور می‌شد که ظهور مهدی فرا رسیده است؛ زیرا نشانه‌هایی که شیعه درباره مهدی منتظر نقل کرده، موجود است. ابن تومرت می‌گفت: آن نشانه‌ها به دلیل نام، لقب و انتساب به پیامبر اکرم^ﷺ بر وی صدق می‌کند؛ از این رو ادعای مهدویت کرد. وی گفت: من محمد بن عبدالله هستم و نسب خود را به پیامبر اکرم^ﷺ رساند. او در این باره روایت‌های فراوان نقل کرد تا آنکه مردم باور کردند که این تومرت همان مهدی است.^۵

راهکارهای مقابله با جذب افراد

در هر مکان یا در هر زمانی که جهل و ناآگاهی در بستر جامعه ریشه می‌دواند، بی‌شک عده‌ای نیز برای رفع حوائج روانی، مالی یا سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پا به عرصه گذاشته، با استفاده از این موقعیت، بهره خود را می‌برند. در این میان، دشمنان نیز با حمایت و آماده‌سازی روانی و به خصوص

۱. رک: نجاشی، الرجال، ص ۲۵۶؛ طوسی، الفهرست، ص ۲۷۲.

۲. رک: نجاشی، الرجال، ص ۴۱.

۳. عن رسول الله^ﷺ: «تتملأن الأرض ظلما و عدوانا، ثم لیخرجن من أهل بیتی - أو قال من عترتی - من یملؤها قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و عدوانا» (رک: عقد الدرر، ص ۴۰، باب ۱).

۴. سعد محمد حسن، المهدیة فی الاسلام، ص ۱۸۷.

۵. حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۱۵.

اقتصادی، کمک شایان توجهی را ابراز می‌دارند، تا آموزه‌های ناب مهدوی رشد نکرده و جامعه را رو به نابودی افکار پوسیده و نابودکننده خود رهنمون نسازند. در این میان، قطعاً راهکارها و اصول درمانی کارسازی وجود دارد که علاوه بر ایمن سازی افکار افراد جامعه در برابر سموم اغیار، به فرهنگ سازی و اعتلای دین الهی مدد رسانده، زمینه‌ساز ظهور مهدوی باشند؛ از جمله:

بهره‌مندی از رسانه و فضای مجازی

اینترنت و فضای مجازی از بدو فراگیر شدن، گستره وسیعی از اطلاعات را در دید همگان، نمایان ساخت و پس از آن، انواع اطلاعات، اعم از صحیح و ناصحیح، خوب و بد با کمترین هزینه در معرض عموم قرار گرفت. پس از آن بود که اندیشه‌ها و مکاتب گوناگون از این بستر، برای ارائه مطالب مورد نظر خویش بهره بردند. چندی نگذشت که فضای مجازی، بستری برای تقابل و جنگ همه‌جانبه اندیشه‌ها گشت. از آنجا که مذهب حق تشیع به طور عام و عقیده مهدویت به طور خاص، مخالف همه مکاتب و انگاره‌های انحرافی جهان است، هجمه‌ای همه‌جانبه بر ضد اسلام و تشیع و به طور خاص، اندیشه و دکتربین مهدویت در عرصه اینترنت به راه افتاد. امروزه فرقه‌ها در حد توان، می‌کوشند با استفاده از این ابزار، در ترویج عقاید و غلبه فرهنگی خود اقدام کنند. این تبلیغ‌ها ممکن است با یک تماس یا دعوت به مشاهده فیلم و یا عضویت در یک گروه و کانال انجام شود. آن‌ها به ویژه در کمین افرادی هستند که دچار مشکلات روحی یا خانوادگی شده‌اند و شرایط ورود آنان را به فضاهای مجازی و سپس فرقه‌ها و جنبش‌ها فراهم می‌کنند؛ برای نمونه، شخصی به نام (م.گ) از اعضای عرفان حلقه در اعترافات خود بیان می‌کند: چنین القا می‌شد که الهامات پیامبرانه در آن فرقه واقع می‌شود. مدتی تصور می‌کردیم در حالت خلسه، تمام بیماری‌های ما حل شده است و با تبلیغ این امور، گروه بسیار بزرگی در فیس بوک راه اندازی کردیم؛ اما بعدها زندگی برخی از ما و خانواده‌هایمان بر اثر آسیب‌های این جریان نابود شد.^۱

برای مبارزه با ترفندهای مدعیان و جهل افراد، بهترین راهکار، تقویت عقاید و باورهای دینی است. این راهکار، عمومی است و هر انسان متعهدی _ که خود را در معرض تقابل و تهاجم می‌بیند _ باید خود را مجهز به این سلاح کند. راه‌اندازی سایت‌هایی جامع، پویا، به‌روز و چندزبانه پیرامون آموزه

۱. ر.ک: اعترافات یکی از اعضای جدا شده «عرفان حلقه»، استفاده ابزاری از دین در عرفان حلقه، فارس.

مهدویت که بتواند این آموزه را تبیین کرده، تمام شبهات و سؤالات مطرح شده در این زمینه را پاسخ گوید راهکار مهم دیگری است. تربیت تلاشگران آگاه و متخصص مجازی در برابر تهاجم دشمن، دیگر شیوه تقابل است.

منابر

انتقال ارزش‌ها، هنجارها و باورهای یک نسل به نسل بعد و تلاش برای حفاظت از ارزش‌ها در برابر امواج فرهنگ غیربومی و مهاجم در برابر اعتقادات دینی، همواره از دغدغه‌های اصلی نهادهای فرهنگی به خصوص گروه فرهنگ‌ساز مهدویت بوده است. فرایند پیام‌رسانی باید توان مقابله با رسانه‌های مقابل و ترفندهای جریان‌های انحرافی که تحت حمایت قدرت‌های بزرگ جهانی نیز هستند، داشته باشد. ارتباطات چهره به چهره نقش بسزایی در تأثیر کلام داشته، در کنار فعالیت‌های مدرن رسانه‌ای، نقش پررنگ‌تری را در خنثا کردن ترفندهای مخمل ایفا می‌کند. منابر، مورد توجه مسلمانان و مبلغان دین بوده و علاوه بر ابزاری فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغی، حتی از قداست برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که در مکان‌های مقدسی چون مسجد، تکیه، حسینیه و... اهمیت این رسانه در آگاهی بخشی و فرهنگ‌سازی مهدوی نمود می‌یابد.

نتیجه

فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی با دور کردن مردم از منابع صحیح اسلامی و نیز متخصصان واقعی تفسیر این متون (عالمان واجد شرایط در دوران غیبت)، سعی می‌کنند مردم را در فضای عاطفی و احساسی محض نگه داشته، آن‌ها را از عقلانیت و خردورزی و اندیشه درمورد دلایل مدعیان، دور کنند. آنان می‌کوشند با خارج کردن رقیب از میدان، سررشته امور معنوی مردم را به دست بگیرند و منافع مادی و غیر مادی را به سوی خود جلب کنند. در این راستا از جعل و تحریف، اتهام و افتراء، شبهات و شایعات و نیز تطبیق و تأویل‌های انحرافی متون مهدوی استفاده می‌کنند. مبلغان دینی می‌توانند با تبیین صحیح موضوعات به مردم کمک کنند. پیشنهاد می‌شود با یک برنامه‌ریزی مدون و علمی و مبتنی بر پیمایش آماری فعالیت فرقه‌ها، برای مقابله با آن‌ها از بستر فضای مجازی با تولیدات چندرسانه‌ای برای محو تبلیغات آن‌ها استفاده شود.

۱. ابوالحسنی منذر، علی، **تاسیس شرکت اسلامیہ**، کیهان، شماره ۱۸۸۶۰.
۲. اسحاقیان درچه، جواد، **پیچک انحراف**، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۷.
۳. اسحاقیان، جواد و حیدری چراتی، حجت، «**تشیع انگلیسی را با این صفات بشناسیم**»، خبرگزاری فارس.
۴. بصری، احمد اسماعیل، **العجل**، انصار امام مهدی، بی جا، بی تا.
۵. حسن ابراهیم حسن، **تاریخ سیاسی اسلام**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بدرقه جاویدان، ۱۳۸۹.
۶. خندان، علی اصغر، **مغالطات**، بوستان کتاب، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۰.
۷. رائین، اسماعیل، **فراموشخانه و فراماسونری در ایران**، امیر کبیر، ۱۳۵۷.
۸. سعد محمد حسن، **المهدیة فی الاسلام**، دار الكتاب العربی، مصر، ۱۳۳۳ق.
۹. شهبازیان، محمد، **ره افسانه**، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۹۷.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمة**، ترجمه محمدباقر کمراهی، اسلامیہ، بی جا، ۱۳۷۸ق.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، **الفهرست**، نشر الفقاہة، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۲. عظیمی، کاظم، **درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن**، مجله دین و ارتباطات، شماره ۳۷، ۱۳۸۹.
۱۳. قربانپور آرانی، حسین و حیدری رامشه، ناهید، **از کرامات تا خرافات (با تأکید بر اسرار التوحید و مقامات زنده پیل)**، مجله ادیان و عرفان، دوره ۴۷، شماره ۲.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول الکافی**، دارالتعاریف، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد و جمعی از پژوهشگران، **دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پایه قرآن، تاریخ و حدیث**، دار الحدیث، قم، ۱۳۹۳.
۱۷. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن، یحیی، **عقد الدرر**، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، قم، ۱۴۲۸ق.
۱۸. موسسه عرفان کیهانی (تحت اشراف محمدعلی طاهری)، **نتیجه امواج تهاجم علیه هوشمندی مثبت الهی**، بی جا، بی تا.

۱۹. نجاشی، احمد بن علی، **فهرست اسماء مصنفی الشيعة (الرجال)**، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.
۲۰. نوبختی، حسن بن موسی، **فرق الشيعة**، ترجمه محمدجواد مشکور، بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۳۵۳.
۲۱. واحد نشر اسناد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، **نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه**، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۰.
۲۲. یعقوبی، علی، **چهل شب با کاروان حسینی (مجموعه سخنرانیهای علی یعقوبی محرم ۱۴۲۲)**، نشر دفتر جشنواره به سوی ظهور (انتظار)، ۱۳۸۰.

بررسی آیات مهدوی سوره مبارک انبیا

سید محمد جواد احمدی^۱

چکیده

در قرآن کریم، آیات متعددی، به تفسیر یا به تأویل، به مهدویت، آن هم با تعریف مخصوص شیعه، اشاره دارند. در این میان، سوره انبیا یکی از سوره‌هایی است که در آیات متعددی از آن، مباحث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام بیان شده که لازم است با بررسی بیشتر، محورهای مطرح شده در آن، مورد دقت قرار گیرد. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی تحلیلی به بررسی آیات مهدوی سوره انبیا پرداخته است. با بررسی آیات و نیز با استفاده از روایات تفسیری، محورهایی چون: عذاب ظالمان از سوی حضرت قائم، امامت و هدایت ایشان، مسئله رجعت و اینکه در آینده، حکومت جهان به دست عباد صالح قرار می‌گیرد به چشم می‌خورد.

کلیدواژگان: قرآن، سوره انبیا، امام مهدی علیه السلام، عباد صالح، رجعت.

امامت و مهدویت، یکی از مسایل اساسی است که در سرنوشت انسان‌ها تأثیر شگرفی دارد. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱ طبق این روایت اگر انسان، امام خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است؛ از این رو بر ما واجب است که به امام زمان ﷺ خود بیشتر معرفت پیدا کنیم. این شناخت نباید فقط شناسنامه‌ای، بلکه باید عمیق و دقیق باشد.

قطعاً قرآن کریم بهترین مرجع برای شناخت حجت خدا است؛ چرا که به حکم روایت ثقلین، امام، عدل قرآن بوده و بی شک در آیات به این مسئله پرداخته شده است. قرآنی که خداوند، آن را «تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»^۲ معرفی کرده است، حتماً باید برای شناخت امام زمان ﷺ محل رجوع باشد. تفسیر قرآن گاهی به صورت تریبی و گاهی به صورت موضوعی است. در بررسی آیات مهدویت چند روش را می‌توان دنبال کرد؛ آیه‌محوری، موضوع‌محوری و سوره‌محوری.

این تحقیق، روش سوم یعنی سوره‌محوری را دنبال می‌کند. سوره مورد نظر در این بررسی، سوره انبیا است. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی تحلیلی به بررسی آیات مهدوی سوره انبیا پرداخته است. با بررسی آیات و با استفاده از روایات تفسیری که در برخی موارد به تأویل آیات مورد بحث پرداخته‌اند، روشن می‌شود در موضوع مهدویت به محورهای ذیل اشاره شده است: عذاب ظالمان از سوی حضرت قائم، امامت و هدایت ایشان، مسئله رجعت و در قسمت پایانی، یکی از مهم‌ترین آیات مهدوی است که در آن تصریح می‌شود آینده حکومت جهان در دستان عباد صالح قرار می‌گیرد. عباد صالح، به اعتقاد شیعه حضرت مهدی ﷺ و اصحاب ایشان هستند.

کتاب‌هایی که آیات مهدویت را شماره کرده‌اند به برخی از این آیات اشاره نموده‌اند. کتاب‌هایی همچون المحجّه، تفسیر آیات مهدوی، قافله‌سالار و... اما در این تحقیق با بررسی خاص و به دلیل جایگاه ویژه سوره انبیا، تنها به آیات مهدوی این سوره پرداخته شده است.

شناخت شناسی سوره انبیا

این سوره -چنانکه از نامش پیدا است- سوره پیامبران است؛ چراکه نام تعدادی از پیامبران با ذکر فرازهایی از زندگانی، حالات و بعضی تنها به صورت اشاره در این سوره آمده است. تکیه بحث‌های

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱.

۲. سوره نحل، آیه ۸۹.

مهم این سوره بر روی برنامه‌های انبیا است. علاوه بر این‌ها پیامبران دیگری هستند که نامشان صریحا در این سوره برده نشده؛ ولی درباره آن‌ها سخنی آمده است.

از دیگر ویژگی‌های این سوره، مکی بودن آن است که از عقائد دینی، مخصوصا از مبدأ و معاد سخن می‌گوید. همچنین از وحدت خالق و اینکه جز او معبود و آفریدگاری نیست و نیز از آفرینش جهان بر اساس هدف و برنامه و وحدت قوانین حاکم بر این عالم و وحدت سرچشمه حیات هستی و نیز وحدت موجودات در برنامه فنا و مرگ، بحث به میان آمده است. بخش دیگری از این سوره، بحث از پیروزی حق بر باطل، توحید بر شرک و لشکریان عدل و داد بر جنود ابلیس است.

در این سوره با توجه به محتوای کلی و با توجه به روایاتی که این آیات را مهدوی به شمار آورده، چهار آیه در مورد مهدویت مطرح شده است.

مکی بودن این سوره و مطرح شدن مباحث مهدویت در آن، این نکته مهم را تداعی می‌کند که همچون آیاتی که در این سوره از هدف خلقت و هستی سخن می‌گوید، مهدویت را باید در راستای هدف خلقت دید که اگر نباشد، هستی و خلقت دچار بی‌غایتی خواهد بود. خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۱ خدا در این آیه پیش از آفرینش، از خلیفه سخن می‌گوید و این دلالت دارد بر اینکه حکمت در خلیفه، از حکمت در خلقت مقدم است. شیخ صدوق^۲ به این مطلب اشاره نموده، بیان می‌کند که خدا حکیم است؛ پس امر را که اهمیت بیشتری دارد، مقدم می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ»^۳ اگر خداوند خلقی را بیافریند در حالی که خلیفه‌ای نباشد، ایشان را در معرض تباهی قرار داده و سقیه را از بی‌خردی‌اش باز نداشته است، بدان‌گونه که حکمتش اقتضا می‌کند؛ از قبیل اقامه حدود و به راه آوردن تبه‌کاران؛ در حالی که حکمت الهی اجازه نمی‌دهد چشم بر هم زدنی از آن، صرف نظر شود. در ادامه به آیات مهدوی این سوره اشاره می‌شود:

آیات ۱۲ و ۱۳ «عذاب ظالمان»

خداوند متعال در آیات شماره ۱۲ و ۱۳ این سوره می‌فرماید:

۱. سوره بقره، آیه ۳۰.

۲. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۴.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۷.

فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسْنَانِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ؛^۱

و چون صلابت ما را احساس کردند، از آن گریزان شدند. به ایشان گفتیم: نگریزید. به سوی لذت‌ها و مسکن‌های خویش باز گردید، شاید سراغ شما را بگیرند.^۲

تفسیر

در این آیه به این مطلب اشاره می‌شود کسانی که به ظلم و ستم پرداخته‌اند، احساس می‌کنند عذاب الهی می‌خواهد آن‌ها را در بر بگیرد؛ لذا پا به فرار می‌گذارند. همانند کسانی که در جنگ احساس می‌کنند دارند شکست می‌خورند و هر لحظه امکان دارد به وسیله سلاح دشمن نابود شوند یا به اسارت بروند؛ لذا می‌گریزند. در ادامه آیه در مقابل کار این‌ها که فرار کرده‌اند، ندا داده می‌شود فرار نکنید و برگردید به سمت کامیابی‌هایی که داشتید؛ زیرا فرار کردن شما سودی به حال شما ندارد و عذاب الهی، شما را فرا می‌گیرد.

تأویل آیه

این آیه، عام است و به این مطلب اشاره دارد که انسان‌های ظالم، هنگامی که عذاب ما را می‌بینند، فرار می‌کنند؛ ولی از برخی روایات استفاده می‌شود که این عذاب، هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام رخ خواهد داد.

اولین روایت که به مهدوی بودن این آیه اشاره دارد، روایت محمد بن یعقوب از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن فضال، از ثعلبه بن میمون، از بدر بن خلیل اسدی است که گفت: شنیدم حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام در مورد قول خدای عز و جل «پس چون عذاب ما را احساس کردند، از آن گریزان گشتند. نگریزید و بازگردید به سوی آنچه در آن در خوش‌گذرانی و آسایش بوده‌اید و به خانه‌های خود رو آورید تا شاید پرسش شوید»، فرمودند: «هرگاه حضرت قائم به پا خیزد و به سراغ بنی امیه در شام بفرستد، آن‌ها به سوی روم بگریزند. پس رومیان به آنان گویند: ما به شما راه نمی‌دهیم، مگر اینکه به آیین نصرانیت بگروید. آن‌گاه آن‌ها صلیب‌ها به گردنشان می‌آویزند و رومیان، آن‌ها را راه می‌دهند. چون یاران قائم به سوی روم روند، آن‌ها امان خواهند و تقاضای صلح کنند. یاران امام قائم گویند: ما صلح

۱. سوره انبیاء، آیات ۱۲ و ۱۳.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۴۱.

نمی‌کنیم؛ مگر اینکه افرادی را که از ما به شما پناهنده شده‌اند، به ما تسلیم کنید. پس آنان را به ایشان تسلیم خواهند کرد و این است بیان فرمایش خداوند: نگریزید و بازگردید به سوی آنچه در آن در خوش‌گذرانی و آسایش بوده‌اید و به خانه‌های خود رو آورید، تا شاید پرسش شوید». امام در توضیح فرمودند: «از محلّ گنج‌های ایشان بپرسند؛ با اینکه خود بهتر می‌دانند. در این هنگام است که گویند: ای وای بر ما که ستمگر بودیم! پیوسته این سخن را گویند تا اینکه درو شده و خاموش و بی‌جانشان سازیم؛ یعنی با شمشیر».^۱

روایت دیگر از محمد بن عباس است که می‌گوید: علی بن عبد الله بن اسد، از ابراهیم بن محمد ثقفی، از اسماعیل بن بشّار، از علی بن جعفر حضرمی، از جابر حدیث‌مان داد که گفت: از حضرت امام ابو جعفر باقر علیه السلام درباره قول خدای - عزّ و جلّ - : «پس چون عذاب ما را احساس کردند، از آن گریزان گشتند»، سؤال کردم. امام باقر علیه السلام فرمودند: «این به هنگام قیام حضرت قائم است».^۲

پیام آیه

در این آیه، خداوند متعال فراگیری عذاب الهی ظالمان را بیان می‌کند. تحقق عذاب الهی می‌تواند با اسباب مختلف باشد؛ از جمله عذاب ظالمان به دست مؤمنان؛ کما اینکه خداوند متعال می‌فرماید: «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ»^۳ در زمان ظهور، خدا به وسیله حضرت مهدی علیه السلام و یارانش ظالمان را عذاب می‌کند. آن‌ها هنگام عذاب می‌خواهند از دایره مجازات خارج شوند و به دنبال پناهگاه هستند تا از مجازات در امان باشند؛ ولی آیه به عدم امکان نجات آن‌ها تصریح دارد و بیان می‌کند کسانی که باید مجازات شوند، جایی برای فرار ندارند و لو اینکه به سنگ پناهنده شده باشد. در این میان امکان

۱. کلینی، روضه الکافی، ص ۵۱ - ۵۲، ح ۱۵. قال: سمعت أبا جعفر علیه السلام يقول في قول الله عزّ و جلّ: فَلَمَّا أَحْسَبُوا أَنَّنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ * لَا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ، لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ قال: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عليه السلام) وَ بَعَثَ إِلَى بَنِي أُمِيَّةَ بِالسَّامِ [ف] هَرَبُوا إِلَى الرُّومِ، فيقول لهم الرُّوم: لا ندخلنكم حتّى تتصروا، فيعلّقون في أعناقهم الضّلعان فيدخلونهم، فإذا نزل بحضرتهم أصحاب القائم طلبوا الأمان و الضّلع فيقول أصحاب القائم: لا نفعل حتّى تدفوا إلينا من قبلكم [منّا] - قال: - فيدفعونهم إليهم، فذلك قوله: لا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ - قال: - يسألونهم الكنوز و هم أعلم بها، - قال: - فيقولون: يا وِيلنا إنا كُنّا ظالِمِينَ * فما زالت تلك دَعْوَاهُمْ حتّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيداً خَامِدِينَ بالسيف و هو سعيد بن عبد الملك الأموي صاحب نهر سعيد بالرحبة»

۲. استرآبادی، علی، تأویل آیات الظاهرة، ج ۱، ص ۳۲۶، ح ۶. «سألت أبا جعفر علیه السلام في قول الله عزّ و جلّ: فَلَمَّا أَحْسَبُوا أَنَّنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ قال: «ذلك عند قيام القائم علیه السلام».

۳. سوره توبه، آیه ۱۴.

دارد عده‌ای توبه کنند یا فضای تدارک فراهم باشد. حضرت مهدی علیه السلام قبل از مجازات ظالمان، به آن‌ها تفهیم اتهام می‌کنند.

آیه ۷۳ «هدایت به امر»

خداوند متعال در این آیه می‌فرماید:

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ^۱

و آنان را پیشوای مردم ساختیم، تا خلق را به امر ما هدایت کنند و هر کار نیکو را [از انواع عبادات و خیرات] و [خصوصاً] اقامه نماز و ادای زکات را به آن‌ها وحی کردیم و آن‌ها هم به عبادت ما پرداختند.

تفسیر

خداوند برای هدایت انسان‌ها، امام قرار داده است و همه انسان‌ها باید از این امام اطاعت کنند. حال این هدایت چیست؟

علامه در تفسیر المیزان در ذیل این آیه می‌فرماید:

این هدایت که خدا آن را از شوون امامت قرار داده، هدایت به معنای راهنمایی نیست؛ چون می‌دانیم که خدای تعالی ابراهیم را وقتی امام قرار داد که سال‌ها دارای منصب نبوت بود؛ همچنان که توضیحش در ذیل آیه «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»^۲ گذشت، و معلوم است که نبوت، منفک از منصب هدایت به معنای راهنمایی نیست؛ پس هدایتی که منصب امام است معنایی نمی‌تواند غیر از رساندن به مقصد داشته باشد، و این معنا یک نوع تصرف تکوینی در نفوس است که با آن تصرف راه را برای بردن دل‌ها به سوی کمال، و انتقال دادن آن‌ها از موقفی به موقفی بالاتر، هموار می‌سازد.^۳

تفسیر نمونه آمده:

هدایت در قرآن فراوان استعمال شده است؛ ولی ریشه و اساس همه آن‌ها به دو معنا بازگشت

۱. سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۳. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۲۹.

می‌کند:

۱. "هدایت تکوینی" که در تمام موجودات جهان وجود دارد. قرآن مجید در این زمینه از زبان حضرت موسی می‌گوید: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى؛^۱ پروردگار ما همان کسی است که همه چیز را آفرید و سپس آن را هدایت کرد».

۲. "هدایت تشریحی" که به وسیله پیامبران و کتاب‌های آسمانی انجام می‌گیرد و انسان‌ها با تعلیم و تربیت آنان در مسیر تکامل پیش می‌روند.^۲

امامان هم به امر و دستور خدای متعال هدایت می‌کنند؛ لذا خدا انواع کمک‌ها را به امامان عنایت می‌نماید و هر کار خیر را به آن‌ها الهام می‌کند و در پایان آیه می‌فرماید: برای من بندگی خالص انجام دادند.

روایت

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ای جابر، وقتی فرزندم باقر را درک کردی، سلام من را به او برسان. او شبیه‌ترین افراد به من است از جهت علم و عمل و هفتمین از فرزندانش زمین را پر از عدل و داد می‌کند. سپس این آیه را تلاوت کرد».^۳

پیام آیه

در هر عصر و زمانی، امامی وجود دارد که انسان‌ها با اشاره او هدایت می‌شوند. در این زمان هم امامی وجود دارد که با او هدایت می‌شوند. این امام در غیبت به سر می‌برد؛ ولی همچون خورشید پشت ابر برای انسان‌ها باعث هدایت و وجودش منشأ خیر و برکت است؛ کما اینکه امام صادق فرمود: «... لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»^۴ پس وجود امام برای اهل زمین لازم و ضروری است.

۱. سوره طه، آیه ۵۰.

۲. مکارم، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۸.

۳. موسسه معارف اسلامی، معجم الأحادیث الإمام المهدی عليه السلام، ج ۷، ص ۳۶۷. «یا جابر إذا أدركت ولدی الباقر فاقرأه منی السلام فإنه سمیي و أشبه الناس بی، علمه علمی و حکمه حکمی، سبعة من ولده أمناء معصومون أئمة أبرار، و السابع مهدیهم الذی یمألأ الدنيا قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما. ثم تلا رسول الله صلی الله علیه و آله: وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ».

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

آیه ۹۵ «رجعت»

خداوند می‌فرماید:

وَ حَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ؛ بر هر دهکده که هلاکشان کردیم، مقرر نمودیم که دیگر باز نگردند.^۱

تفسیر

یکی از مباحث مهدوی، مسئله رجعت است. در این آیه خداوند به این مطلب اشاره دارد که رجعت برای گروهی از مردم اتفاق نمی‌افتد؛ در حالی که در آیات دیگر مطرح شده است که همه انسان‌ها در قیامت باز می‌گردند؛ برای مثال در سوره انعام می‌فرماید: «وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا»^۲ ما همه شما را محشور می‌کنیم». پس معلوم می‌شود این آیه در مورد قیامت نیست؛ بلکه مربوط به رجعت است که قبل از قیامت رخ خواهد داد و در این رجعت، انسان‌هایی که به وسیله عذاب هلاک شده‌اند، باز نخواهند گشت.

روایت

روایت اول از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است که می‌فرمایند: «هر قومی را که خداوند به وسیله عذاب هلاک نموده، رجعت نمی‌کنند».^۳

در تفسیر قمی آمده است که «این آیه از بزرگ‌ترین آیات است از نظر دلالت بر رجعت انسان‌ها؛ زیرا کسی از مسلمانان، منکر این مطلب نیست که انسان‌ها در قیامت محشور می‌شوند -چه کسانی که هلاک شده‌اند و چه کسانی که هلاک نشده‌اند- و سخن خداوند که می‌فرماید: «لا یرجعون» یعنی در رجعت باز نمی‌گردند؛ اما در قیامت برمی‌گردند و وارد در عذاب می‌شوند».^۴

۱. سوره انبیاء، آیه ۹۵.

۲. سوره انعام، آیه ۲۲.

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۵. حدیثی ابی، عن ابن ابی عمیر، عن ابن سنان، عن ابی بصیر، عن محمد بن مسلم، عن ابی عبد الله و ابی جعفر قالوا: «كُلُّ قَرْيَةٍ أَهْلَكَ اللَّهُ أَهْلَهَا بِالْعَذَابِ لَا يَرْجِعُونَ فِي الرَّجْعَةِ».

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۳۶. فی تفسیر القمی، عن ابی جعفر علیه السلام؛ نوادر الأخبار، ص ۲۸۲، ح ۶، عن تفسیر القمی؛ الايقاظ من الهجعة، ص ۲۵۵، ب ۹، ح ۳۸، عن تفسیر القمی.

پیام آیه

یکی از مسایل مربوط به مهدویت، رجعت است که در زمان ظهور، انسان‌هایی به دنیا برمی‌گردند که در این میان برخی قطعا در بین آن‌ها نخواهند بود، این‌ها کسانی هستند که هلاک شده‌اند.

آیه ۱۰۵ «حکومت صالحان»

چهارمین آیه مهدوی این سوره است که خدا می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ در زبور، از پی آن

کتاب چنین نوشتیم که: زمین را بندگان شایسته من به میراث می‌برند.^۱

در روایات تفسیری ذیل این آیه آمده است: «پیامبر اکرم بشارت داد به اینکه اهل بیتش مالک زمین خواهد شد و رجعت می‌کنند و دشمنانشان را خواهند کشت».^۲

ابتدا لازم است برخی واژگان این آیه بررسی گردند، تا مفهوم آیه روشن‌تر شود.

کتبنا

ریشه اصلی «کتبنا» از کتابت گرفته شده و معنای آن، پیوند کردن چرمی به چرم دیگر، با خیاطت و دوختن است. صاحب مفردات الفاظ قرآن می‌گوید: «ضم ادیم الی ادیم».^۳ در روزگاری که کتابت نبوده، تکه زدن چرم را کتابت می‌گفتند. پس از پیدایش خط، واژه کتابت، اسم شده برای به هم پیوند زدن حروف کلمات به هم، به وسیله خط. صاحب مفردات می‌گوید: «و فی المتعارف ضم حروف الی حروف هو الكتابة، فالأصل فی الکتابة: التّظم بالحطّ لکن يستعار کلّ واحد للآخر...».^۴

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. حلو، تفسیر الامام الحسین علیه السلام، ص ۵۷: «فبشر الله نبيه صلى الله عليه وآله أن أهل بيته يملكون الأرض و يرجعون إليها و يقتلون أعداءهم».

۳. راغب، مفردات الفاظ القرآن، ص ۷۰۰.

۴. همان.

این واژه در معانی دیگری نیز به کار رفته است که بیشتر استعمالات آن، قرآنی است. کتابت، به معنای فرض؛^۱ به معنای جمع کردن؛^۲ به معنای حکم کردن تکوینی^۳ و به معنای مقدر کردن آمده است.^۴ پس کتب به معنای ثبت شدن، تثبیت شدن و نوشتنی که هیچ قابل زوال نیست نیز آمده است.

زبور

این واژه از چند معنا برخوردار است: نگارش غلیظ و کلفت؛^۵ مطلق کتابت و نگارش: «وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ»^۶ جمع زبور به معنای پرونده‌ها و کتاب‌ها.^۷ به معنای تمام کتب آسمانی است یا آن کتب آسمانی که ناشناخته است و به آسانی در دسترس قرار نمی‌گیرد. در ادامه می‌گوید: «کل کتاب صعب الوقوف علیه من الكتب الالهية».

همچنین واژه «زبور» به کتب آسمانی‌ای که حاوی حکمت‌ها و پند و اندرزها و نیایش‌ها و دعا بوده و هیچ حکمی در آن نیامده، اطلاق شده و علم شده است برای کتاب حضرت داوود نبی علی نبینا وآله و علیه السلام. در سوره اسراء می‌گوید: «وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا»^۸.

از نظر برخی مفسران، مقصود از «زبور» در اینجا تمام کتب آسمانی پیش از اسلام است. واژه‌شناسان یکی از معانی «زبور» را تمام کتب آسمانی دانسته‌اند؛ به‌خصوص کتابی که دسترسی و وقوف به آن، سخت است.^۹

برخی دیگر مقصود از «زبور» را کتاب داوود نبی دانسته‌اند. شاهد این نظر، این است که با بررسی متن زبور، چندین مزمور داریم که محتوای آیه در آن آمده است.

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۳؛ «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ».

۲. سوره مجادله، آیه ۲۲؛ «كتب في قلوبهم الايما».

۳. سوره مجادله، آیه ۲۱؛ «كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبِينَ أَنَا وَرُسُلِي».

۴. طریحی، مجمع البحرين، ج ۲، ص ۱۵۶؛ «وَفِي الْخَدِيثِ: كُتِبَ فِي الذِّكْرِ كُلِّ شَيْءٍ، أَي قَدْرُ كُلِّ الْكَائِنَاتِ...».

۵. راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۷۸؛ «زَبُرْتُ الْكِتَابَ: كَتَبْتَهُ كِتَابَةَ غَلِيظَةٍ، وَكُلَّ كِتَابٍ غَلِيظٍ الْكِتَابَةُ يُقَالُ لَهُ: زَبُورٌ».

۶. سوره قمر، آیه ۵۲.

۷. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۷۸.

۸. سوره اسراء، آیه ۱۶۳.

۹. مشهدی، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸، ص ۴۸۰.

ذکر

مراد از «زبور» همان کتاب داوود نبی است. در این صورت، مقصود از ذکر، عالم لوح محفوظ است. دلیل، دو شاهد است: در کتاب داوود نبی^۱ در چند جا مضمون این آیه آمده است و قهرا وقتی آیه را با این کتاب مقایسه می‌کنیم، تطابق دارد و این نظر را تقویت می‌کند.^۲ شاهد دوم، صحیحه معتبره السند و تام الدلالة مرحوم کلینی است که در کافی ذکر شده است.^۳ در این روایت تصریح شده که مقصود از «زبور» کتاب داوود پیامبر است و مقصود از «ذکر» عالم لوح محفوظ است، که گاهی در روایات از آن به عند الله و گاهی به علم الله تعبیر می‌شود.

نظر نهایی این است که به مقتضای صحیحه ابن سنان، مقصود از «ذکر»، عالم لوح محفوظ و مقصود از «زبور»، همان زبور داوود نبی - علی نبینا و آله و علیه السلام - است.

ارث

این واژه در آغاز به معنای آنچه از میت به وارث او منتقل می‌شود به کار می‌رفته که بعدها برای هر اثری که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ اعم از مال و مقام، استفاده شده است.

در قرآن کریم واژه ارث و مشتقات در مصداق انتقال حکومت به کار رفته است؛ انتقال حکومت از فاسقان به مؤمنان از این قبیل است:

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ
كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَرْنَا مَا كَانِ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا
يَعْرِشُونَ.^۴

۱. در سال ۱۸۷۸ م چاپ شده است. در ترجمه فارسی عهد عتیق که در سال ۱۸۷۸ زیر نظر مقامات معروف کلیسا انتشار یافته است.

۲. در مزمور ۳۷ از مزامیر داوود. این مزامیر درست مثل سوره است. در جمله ۲۹ چنین آمده است: «صدیقان، وارث زمین شده و همیشه در آن ساکن خواهند بود. نیز در جمله ۱۸ از مزمور ۳۷ چنین آمده است: خداوند، روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد. مقصود از روزهای صالحان یعنی روزگار حکومت صالحان. در جمله ۱۹ از مزمور ۳۷ چنین آمده است: «زیرا که شریران منقطع می‌شوند و اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد».

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۲۶: «مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ مَا الرُّبُورُ وَمَا الذِّكْرُ قَالَ الذِّكْرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالرُّبُورُ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ دَاوُدَ وَ كُلِّ كِتَابٍ نَزَلَ فِيهِ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَ تَحْنُ هُمْ».

۴. سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

عباد

«عباد» جمع عبد است که در اینجا به یای متکلم اضافه شده است. عبد در قرآن و لغت به سه معنا به کار رفته است:

۱. به معنای برده؛^۱
 ۲. به معنای مخلوق و مسخر و موجودی که مورد تسخیر خداوند متعال است؛^۲
 ۳. به معنای بنده خالص و مطیع پروردگار و سرآمد همه آدمیان.^۳
- مقصود از «عبادی» در اینجا، بندگان خالص و سرآمدان از بندگان خدا است.

صالح

«صالح» در لغت به ضد «طالح» معنا شده است. خلیل بن احمد در العین می‌گوید: «الصَّالِحُ: نَقِيضُ الطَّالِحِ»^۴. همه لغویان بعدی نیز از او گرفته‌اند. «طالح» به معنای فساد است. رسم لغت‌شناسان این است که در جایی که معنایی برای واژه پیدا نمی‌کنند، به سراغ ضد آن می‌روند. در اینجا نکته‌ای وجود دارد: صالحون جمع مذكر است؛ به همین دلیل در مورد مردان ذو العقول به کار می‌رود، نه در اعمال نیک؛ بنابراین صالحون یعنی مردان شایسته؛ بر خلاف صالحات که هم در مورد اعمال صالح به کار می‌رود و هم در مورد اناث صالح.

۱. «ضرب الله مثلا عبدا مملوكا لا يقدر على شيء». اینجا به معنای برده است، به خصوص با قرینه «مملوكا» و نیز آیه ۱۱۸ سوره بقره: «و لکم فی القصاص حیات یا اولی... الحر بالحر و العبد بالعبد...». ۲. به این معنا اشاره دارد آیه: «إِنْ تَعَدَّيْتُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ إِنْ تَعَفَّرْتُمْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ». در این آیه، منظور این نیست که این‌ها برده‌اند؛ بلکه مقصود این است که این‌ها مسخر تو هستند و به اراده‌ات این‌ها را به هر سو که می‌خواهی می‌بری. مملوک و برده بودن، ملکیت اعتباری است؛ ولی مسخر بودن، ملکیت تکوینی و بسیار بالاتر از ملکیت اعتباری است؛ همچنین در آیه: «وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ»، برای اینکه بنده‌ها طغیان نکنند، خدای متعال هر چند مدت یک بار، رزق را تنگ می‌گیرد که بدانند منشأ این رزق از کجا است. معلوم می‌شود که مانع از طرف خدا نیست. او می‌تواند برای بشر دائما هر چه را خواستند، نازل کند؛ مهم این است که طغیان نکنند. ۳. از این قبیل است: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ»؛ به راستی که تو [ای شیطان] بر عباد من سلطه‌ای نخواهی داشت. از این سلطنت نداشتن شیطان کشف می‌کنیم که مراد از موضوع (عبادی)، بردگان نیست، بندگان معمولی هم نیست؛ بلکه به قرینه محمول، کشف می‌کنیم که مقصود، بندگان خالص است؛ آیه دیگر: «ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي». در اینجا هم یعنی بندگان راستین و خالص خداوند متعال. آیه دیگر: «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَفْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُونًا وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا». اینکه گفته زندگی ایشان «هون» است، می‌فهمیم عباد خالص را می‌گوید.

۴. فراهیدی، کتاب العین، ج ۳، ص ۱۱۷.

تفسیر آیه

در اینکه واژه «ارض» به معنای زمین است، حرفی نیست. البته در مصداق آن، میان مفسران چند نظریه مطرح است: برخی آن را ارض الجنة^۱ و برخی دیگر آن را فلسطین می‌دانند^۲ و برخی دیگر گفته‌اند که مقصود از ارض، جایگاهی است که ارواح مؤمنان در آن اجتماع می‌کنند و تا برپایی قیامت در آن حضور دارند که مقصود، ارض برزخ است؛ زیرا جایگاهی که ارواح مؤمنان در آن حضور می‌یابند غیر از ارض برزخ، جایی نیست^۳ و برخی دیگر گفته‌اند مقصود از ارض، مطلق ارض است؛ اعم از ارض الجنة و ارض الدنيا؛ بنابراین مقصود آیه، این است که هم در دنیا، ارض و حکومت کره زمین از آن مؤمنان می‌شود و هم در قیامت و بهشت^۴. برخی دیگر گفته‌اند مقصود، همین ارض دنیا^۵ است. شاهد بر این مدعا دو چیز است: اول اینکه ارض، اسم جنس است و «ال» در آن، «ال» جنس است؛ دوم اینکه ارض بر کره خاکی انصراف دارد و «ال» هم بر استغراق دلالت دارد. مفسران امامیه بر همین معنا حمل کرده‌اند. مرحوم شیخ طوسی در التبیان روایتی از امام باقر^{علیه السلام} شاهد بر این مدعا آورده است. وی در جلد هفتم، صفحه ۲۸۴ می‌نویسد: «عن ابی جعفر^{علیه السلام} ان ذلک وعد للمؤمنین بانهم یرثون جمیع الارض»؛ یعنی حکومت زمین در اختیار این‌ها قرار می‌گیرد. همچنین مرحوم علامه طباطبایی در المیزان، جلد ۱۴، صفحه ۳۳۰ این نظریه را تأیید می‌کند.

افزون بر این دو دلیل، روایات هم مؤید این نظریه می‌باشند. روایاتی از طریق فریقین درباره بشارت به ظهور حضرت بقیة الله الاعظم^{علیه السلام} وارد شده است.

عن رسول الله^{صلی الله علیه و آله}: لو لم یبق من الدنيا الا یوم واحد لظول الله ذلك الیوم حتی یبعث فیہ رجال منی، رجال من اهل بیتی.^۶ در برخی روایات، اضافه‌ای دارد و آن اینکه فرموده «یواطئ اسمه اسمی، یملا الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا». همچنین دسته دیگری از روایات نیز هست که در

۱. زمخشری، کشاف، ج ۳، ص ۱۳۸؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۱، ص ۳۴۹ و غیر هم و هو قول ابن عباس و مجاهد.

۲. بیضاوی، تفسیر بیضاوی، ج ۲، ص ۷۹۱ چنین می‌گوید: «الارض ای ارض الجنة او ارض المقدسة یرثها عبادی الصالحون؛ یعنی عامه...».

۳. سیوطی، الدر المنثور، ج ۴، ص ۳۴۱.

۴. زحیلی، تفسیر المنیر، ج ۱۷، ص ۱۴۱.

۵. طوسی، تبیان، ص ۲۸۴؛ طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۰.

۶. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۷۷.

بخش بررسی مصداق‌شناسی آیه به تفصیل خواهد آمد.

دلیل مؤید بودن: مرسله بودن روایت شیخ و نیز تواتر روایت دوم و اتحاد در مفاد با بحث ماست. در اینجا مقصود از عبارت واگذار کردیم، انتقال حکومت زمین است. این واژه در ابتدا در انتقال مال بوده از میت؛ بعدها در هر اثری که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده، به کار رفته است و اگر علمی باشد، از آن به تراث تعبیر می‌شود. در ادامه، این واژه در انتقال خاصی به کار رفته و آن انتقال حکومت است.

در اینجا یک بحث است و آن این است که مراد از «ارث الارض» چیست؟ مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: «و المراد من وراثة الارض انتقال التسلط علی منافعها الیهم و استقرار منافع الحیاة... فیکون مؤدی الآیة ان الارض ستطهر...؛ مقصود از به ارث بردن زمین به عباد صالح در آینده تاریخ بشر این است که منتقل می‌شود به بندگان صالح، تسلط بر زمین با تمام برکات مادی و معنوی‌ای که دارد و این حاکمان صالح که اداره دنیا را به دست می‌گیرند، کسانی هستند که از حکومت زمین در مسیر رشد دین و دیانت مردم و رفاه جامعه در کل دنیا آنچه دارند به کار می‌گیرند و استیلا بر منافع زمین به آنان منتقل می‌شود.»^۱

بعد در ادامه می‌فرماید: «این برکات دو قسم است؛ برکات دنیوی که برگشت به منافع دنیا دارد؛ مانند بهره بردن سالم از کالاها و متاع‌های دنیایی؛ یعنی از همه چیز دنیا در همان مسیری که شرع مشخص کرده است حرکت می‌کنند و جامعه را حرکت می‌دهند؛ از فرآورده‌های لبنی و گوشتی و تغذیه‌ای استفاده می‌کنند؛ ولی طبق آنچه دین دستور داده است.»

سپس بیان می‌کند: مفاد و محتوای آیه این است که زمین سراسر پاک می‌شود از شرک و معصیت و جمعیتی از صالحان که اهل معصیت نیستند در حکومت زمین ساکن می‌شوند و آن را به دست می‌گیرند؛ همان که در آیه‌ای گفته: «وعد الله الذین آمنون منکم...»، خلافت به کسانی که هم حسن فاعلی دارند و هم حسن فعلی، منتقل می‌شود و همه کارهای این‌ها از روی اخلاص است، ذره‌ای به خدا شرک نمی‌ورزند و معصیت نمی‌کنند؛ چون هر معصیتی نوعی شرک است.

ایشان همچنین می‌نویسد: «و اما اخرویه و هی مقامات القرب التي اکتسبوا فی حیاتهم الدنیا؛ مقامات قرب به این‌ها منتقل می‌شود؛ به این معنا که از همه چیز دنیا برای رشد و تکامل معنوی و

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۰.

فرهنگی بشر استفاده می‌کنند، اگر می‌خواهند ابزار رفاه فراهم کنند، چیزی فراهم می‌کنند که در آن‌ها زمینه فساد و گناه نیست؛ تمام ترقیات و تکاملات اخروی همه در همین دنیا به دست می‌آید و در پرتو سیر و سلوک شخصی افراد در همین دنیا به دست می‌آید.

حاصل دیدگاه مرحوم علامه طباطبایی در مورد معنای ارث رسیدن زمین به عباد صالح، این است که زمین با تمام منافع و مواهب و برکات مادی‌ای که دارد به ضمیمه تمام عوامل و ابزاری که می‌تواند در مسیر ترقی و تکامل انسان به کار برود و انسان از مقام والای معنوی و کمالات معنوی در بعد علم و دانش و در بعد اخلاق و فضائل و نیز در بعد فرهنگ و مادیات و رفاه جامعه با تمام امکاناتش، به عباد صالح منتقل می‌شود و آن‌ها حد اکثر استفاده را برای به کمال رساندن بشر می‌کنند.

به نظر می‌رسد آنچه در روایات آمده که حضرت بقیه الله جهان را از ظلم پاک می‌کند، ظلم معنوی و فرهنگی را هم شامل می‌شود؛ کما اینکه بشر در زمان ما در بسیاری از مناطق دنیا در حدی از بی‌فرهنگی است که خوب و بد را تشخیص نمی‌دهد و قوانینی مانند همجنس‌گرایی و... وضع می‌کند. مکاتب فلسفی غربی، خوب بودن را نسبی می‌دانند. در نظر آن‌ها ارزش و ضد ارزش نسبی است و معیار، خواست عرف است. چه ظلمی از این بزرگ‌تر که جامعه بشری به این حد برسد که بگوید خوب و بد وجود ندارد و هر کار کثیفی را که عرف بپسندد خوب است. اینکه بدون واهمه، این همه خطاکاری می‌کنند به همین دلیل است. در مقابل، مکتب اسلام و به خصوص تشیع، خوبی‌هایی را تعیین کرده که برای همیشه ارزش است؛ همچون حیا، عفت، صداقت و ...

دلیل مرحوم علامه برای اینکه مقصود از «ارث الارض» منتقل شدن زمین است با تمام مواهب مادی و معنوی یک جمله است: اطلاق این آیه اقتضا می‌کند که هم وراثت مادی زمین به حاکمان صالح برسد و هم مواهب معنوی زمین با تمام امکاناتش منتقل شود؛ بنابراین فقط بعد آبادگری نیست؛ و آبادگری تقیید بلا مقید است. آبادگری منتقل می‌شود و هم همگام و همپای با آبادگری ظاهری، آباد کردن عمق جان و به بلوغ معنوی رساندن بشر است.

مقصود از صالحان در نگاه مفسران آیا کسانی هستند که در بعد عملی از نیکان هستند و در بعد اعتقادی از اعتقاد سالم برخوردارند یا فراتر از این‌ها صالحان از یک معنای دیگری برخوردار است و آن عبارت است از شایستگی در مدیریت؟ مفسران در مورد صالحان در این آیه شریف، چند نظر مطرح می‌کنند: نظر اول این است که مقصود از صالحان کسانی هستند که دارای شایستگی عمارت و آباد

کردن زمین هستند؛ از هر دین و ملتی که باشند: «ان الارض لا یثمرها من عباده الا من یصلح عمارتها من ای دین کان و ای مذهب انتهی»^۱.

در پاسخ باید گفت این نظریه مردود است؛ زیرا اولاً هرگز احتمال داده نمی‌شود که خداوند در عالم لوح و زبور حضرت داوود ثبت کند که آینده دنیا به دست بندگان می‌افتد که در عرصه مدیریت و آبادگری پرتوان، ولی از فساق و فجار هستند. ثانیاً با کلمه عبادی سازگار نیست؛ بلکه عبادی را چنانکه معنا کردیم، کسانی‌اند که در سه محور سرآمدند؛ در بعد اعتقادی؛ در بعد عملی و در بعد اخلاقی، و با توجه به این معنا، با صدر آیه سازگار نیست.

در نظریه دوم^۲ صالحون را چنین معنا کرده‌اند: «و الصالحون للدنیا من یصلح لعمارتها و القیام بحقها».

در میان تفاسیر امامیه هم ریشه‌یابی و تفسیر و توضیح صالحون نیامده و تنها در تفسیر نمونه، جلد ۱۳، صفحه ۵۱۸، این مطلب آمده است: «به ذهن می‌آید شایستگی از نظر عمل و تقوا، شایستگی از نظر علم و آگاهی، شایستگی از نظر قدرت و قوت و شایستگی از نظر تدبیر و نظم و درک اجتماعی، همه مقصود است. به نظر می‌رسد که مقصود از صالحون در آیه شریف منحصر است در صلاحیت و شایستگی داشتن برای تدبیر و اداره جامعه در سطح جهانی و نه شایستگی در بعد معنوی و علمی؛ زیرا تمام کمالات معنوی را واژه «عبادی» حکایت کرد. «عبادی» یعنی بندگان خالص من و کسانی که خالص و سرآمد در باورهای اعتقادی، اخلاقی، و نیز در بعد عمل هستند.

معلوم می‌شود که واژه صالحون ویژگی دیگری را افضل بر ویژگی‌های معنوی حکایت می‌کند و آن عبارت است از شایستگی در بعد سیاسی؛ و اساساً مدیریت توانمند مدیریتی است که در سه محور سرآمد است:

در طراحی و برنامه‌ریزی؛ اگر کسی بیشترین جریزه و توان کاری را دارد، ولی طرح و برنامه‌اش ناقص است، هیچ وقت به هدف نمی‌رسد. نکته قابل توجه در اینجا این است که مقصود از برنامه، تنها پیشبرد بعد مالی نیست؛ بلکه همپای با آن، بعد اقتصادی است. همچنین در بعد فرهنگ، یعنی اخلاق، دیانت، علم و دانش را هم ترقی می‌دهد. مدیر پرتوان کسی است که افزون بر اینکه از طراحی جامع

۱. احمد مصطفی، تفسیر المراغی، ج ۱۷، ص ۷۶.

۲. زحیلی، تفسیر المنیر، ج ۱۷، ص ۱۴۱.

برخوردار است، در مقام اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها هم توان لازم را دارد و در اجرا، بی‌تدبیری و دوباره‌کاری نمی‌کند. سومین ویژگی مدیر پرتوان این است که برای اجرا ناظر قرار می‌دهد. خداوند متعال برای تمام بندگان، رقیب و عتید گذاشته است؛ دسته‌ای در شب و دسته‌ای در روز. ما معتقدیم که صالحون در آیه شریف منحصرأ به معنای شایستگان مدیریتی و شایستگان مدیریت جامعه در بعد کلان می‌باشد. که سه ویژگی دارند:

طراحی برنامه‌های آن‌ها در راستای نیاز معنوی و مادی بشر است و همگام و همپای با برنامه‌ها موجب ترقی و تکامل جامعه می‌شود و چنان نیست که تک‌بعدی باشد؛ مثلاً در بعد رفاه مؤثر افتد؛ ولی در بعد معنوی هیچ منشأ ترقی و تکامل جامعه نباشد. جامعیت دارد به این معنا که برای تمام ابعاد برنامه دارد و در مرحله اجرا از توان بالایی برخوردار است؛ به طوری که تمام طرح‌ها را بی‌کم و کاست به عمل می‌رساند. از ناظرانی با عقل و درایت که هیچ رشوه‌ای و تطمیعی و تهدیدی در آنان اثرگذار نخواهد بود بهره می‌برد. بنابراین شایستگان مدیریتی معنای صالحون است.

نتیجه اینکه کسانی که در دوران مهدوی و حکومت مهدوی در سطح کلان حکومت می‌کنند کسانی هستند که هم در بعد معنوی سرآمدند در سه محور اعتقادات و اخلاقیات و عمل؛ و هم در بعد مدیریتی سر آمدند در سه محور، طرح و برنامه‌ریزی و نظارت.

برای اثبات این مدعا یک دلیل عقلی است که حتماً مراد از صالحون همین شایستگان مدیریتی است. دلیل این است که آیه شهادت می‌دهد در عالم لوح و زبور داوود ثبت کرده‌ایم که حکومت زمین به عباد صالح می‌رسد. این چهار حالت دارد:

اول: حاکمان، هم فاسق و فاجر باشند و هم فاقد مدیریت. این احتمال قطعاً باطل است.

دوم: حاکمانی که خداوند به حاکمیت جهانی آن‌ها بشارت می‌دهد از ویژگی مدیریت درست و فراگیر و جامع برخوردارند؛ ولی از نظر معنوی تهی و پوچ بوده و اهل فسق و فجور باشند. این احتمال از احتمال اول اندکی برتر است؛ اما هرگز نمی‌توان پذیرفت که خداوند، آینده حکومت دنیا را به دست مدیرانی خوب که فاسق و فاجرند بسپارد؛ لذا این احتمال هم مردود است و عقل نمی‌پذیرد که حاکمیت دنیا به دست این‌ها بیفتد.

سوم: احتمال سوم برعکس احتمال دوم است؛ به این معنا که آینده بشریت به دست عناصری است کاملاً معنوی و ارزشی و دین‌دار و دلسوز و اهل اجرای احکام الهی؛ ولی از نظر توان مدیریتی و اداره

امور جامعه، افرادی بی‌عرضه باشند. امیرالمومنین علیه السلام هم نتوانستند از این افراد برای حکومتشان استفاده کنند.

چهارم: احتمال چهارم این است که حاکمان، هم در بعد معنوی سرآمدند و هم در بعد مدیریتی در سطح جهان از اقتدار بالای مدیریتی برخوردارند. این دسته چهارم است که هم مصداق عبادی هستند و هم در بعد مدیریتی مصداق صالحون و شایستگان‌اند. عقل می‌گوید از میان این چهار احتمال، احتمال چهارم قابل پذیرش است.

نتیجه

با بررسی آیات سوره انبیا و روایات ذیل آن‌ها روشن شد که چهار آیه به مباحث مهدویت اشاره دارد: آیات دوازدهم و سیزدهم فراگیری عذاب الهی بر ظالمان را بیان می‌کند. از جمله اسباب تحقق عذاب الهی را می‌توان، مؤمنان دانست. در زمان ظهور خدا به وسیله حضرت مهدی علیه السلام و یارانشان، ظالمان را عذاب می‌کند.

آیه هفتاد و سوم تصریح دارد در هر عصر و زمانی امامی وجود دارد که انسان‌ها با اشاره او هدایت می‌شوند؛ پس در این زمان هم امامی وجود دارد که با او هدایت می‌شوند. این امام در غیب به سر می‌برد؛ ولی همچون خورشید پشت ابر برای انسان‌ها مایه هدایت است.

آیه نود و پنجم به رجعت در زمان ظهور اشاره دارد؛ خداوند می‌فرماید رجعت برای گروهی از مردم که در دنیا هلاک شده‌اند اتفاق نمی‌افتد؛ در حالی که در قیامت همه انسان‌ها محشور می‌شوند، پس معلوم می‌شود این آیه مربوط به رجعت است که قبل از قیامت رخ خواهد داد.

آیه یکصد و پنجم به وعده مکتوب خداوند به ارث بردن زمین به دست عباد صالح پرداخته است. با تحلیل آیه و روایات روشن شد مراد از آن، حکومت امام مهدی علیه السلام در زمان ظهور است.

منابع

قران كريم.

۱. استرآبادى، على، **تأويل الآيات الظاهرة**، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ق.
۲. بيضاوى، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزيل و أسرار التأويل (تفسير البيضاوى)**، دار إحياء التراث العربى، ۵جلد، چاپ اول، بيروت، ۱۴۱۸ق.
۳. حلوى، محمدعلى، **تفسير الامام الحسين عليه السلام التفسير الاثري التطبيقي**، العتبة الحسينية المقدسة، ۱جلد، چاپ اول، كربلاى معلى، ۱۴۳۰ق.
۴. حلى، حسن بن سليمان، **مختصر البصائر**، مؤسسة النشر الإسلامى، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹.
۵. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، دار الشامية، چاپ اول، بيروت، ۱۴۱۲ق.
۶. زحيلى، وهبه، **التفسير المنير**، دار الفكر، ۳۲جلد، چاپ دوم، دمشق، ۱۴۱۱ق.
۷. زمخشرى، محمود بن عمر، **الكشاف**، دار الكتاب العربى، ۴جلد، چاپ سوم، بيروت، ۱۴۰۷ق.
۸. طباطبايى، محمدحسين، **الميزان**، مؤسسة الأعلمى، ۲۰جلد، چاپ دوم، بيروت، ۱۳۹۰ق.
۹. طبرسى، فضل بن حسن، **مجمع البيان**، ناصر خسرو، ۱۰جلد، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲.
۱۰. طريحي، فخرالدين بن محمد، **مجمع البحرين**، مرتضوى، ۶جلد، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵.
۱۱. طوسى، محمد بن حسن، **التبيان**، دار إحياء التراث العربى، ۱۰جلد، چاپ اول، بيروت.
۱۲. فراهيدى، خليل بن احمد، **كتاب العين** - قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۳. قمى مشهدى، محمد بن محمدرضا، **تفسير كنز الدقائق**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۴جلد، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸ش.
۱۴. كلينى، محمد بن يعقوب، **الكافي**، اسلاميه، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۵. مجلسى، محمداقبر، **بحار الأنوار**، چاپ دوم، بيروت، ۱۴۰۳ق.
۱۶. مراغى، احمد مصطفى، **تفسير المراغى**، ۳۰جلد، دار الفكر - لبنان - بيروت، چاپ: ۱.
۱۷. موسسه معارف اسلامى، **معجم أحاديث الإمام المهدي عليه السلام**، مسجد مقدس جمكران، ۸جلد، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۸ق.

بررسی لقب «حجت‌الله» از منظر روایات ائمه معصومان علیهم‌السلام

سیدحسین شریفی^۱

چکیده

بررسی القاب اهل بیت علیهم‌السلام از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این مقاله به دنبال آن است تا لقب حجت‌الله را از حیث امکان اختصاص داشتن آن به حضرت امام مهدی علیه‌السلام مورد بررسی قرار دهد. تحقیق با استفاده از منابع حدیثی می‌کوشد تا بیان کند که در مرحله اول، اشتراکی بودن حجت‌الله نمود بیشتری دارد، ولی بعضی از علماء همانند مرحوم مجلسی بیان داشتند که چون حضرت امام مهدی علیه‌السلام، آخرین حجت خداوند متعال در روی زمین می‌باشند، این لقب مختص ایشان است، لکن وجه جمعی نیز بیان می‌شود که اگر روایت، قرینه به معصوم خاصی داشت، روشن است که مختص همان معصوم می‌باشد، ولی اگر مطلق بیاید، مراد حضرت مهدی علیه‌السلام است؛ البته روایتی مبنی بر این مطلب نداریم و لذا این جمع ضعیف بوده هرچند توسط سیره عملی علماء جبران شده است.

واژگان کلیدی: لقب، امام مهدی علیه‌السلام، حجت‌الله، ائمه علیهم‌السلام.

بعد از اسماء ائمه علیهم السلام، آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد، القاب ائمه معصومین علیهم السلام است که به آنها اختصاص پیدا می‌کردند. لذا این القاب برای پیروان آنها مهم بوده است؛ چراکه این القاب بی‌جهت برای آنها انتخاب نشده است و برخی القاب دارای معانی خاص و برای اشخاص خاصی وضع شده‌اند. در نگاه اول، شاید بررسی این موضوع که لقبی، مختص به معصوم خاصی است یا وجه عمومی دارد، از اهمیت خاصی برخوردار نباشد، اما با تأمل و بررسی عمیق‌تر به این نتیجه می‌رسیم که امکان دارد برخی از القاب مشترک و القابی هم مختص باشند. بی‌تردید، هر معصومی در عصر خود از یک خصوصیت بیشتر مورد توجه بوده است و این ممکن است سبب پیدایش یکی از القاب کنونی - که ما به آن اطلاع پیدا کردیم - شده باشد؛ البته احتمال دارد این لقب، مشترک با معصومی دیگر باشد؛ تحت شرایطی و یا اینکه اصلاً اشتراکی در کار نباشد و مختص به همان معصوم علیه السلام باشد. در این جاست که مسأله اهمیت پیدا می‌کند و اختصاصی بودن بعضی از القاب مورد توجه قرار می‌گیرد و لذا این پرسش پیش می‌آید که علت استعمال القاب مختلف برای شخص معصوم علیه السلام چه بوده است و آیا امکان اشتراک القاب برای آنها وجود دارد یا خیر؟

واژه و لقب «حجت‌الله»، در بسیاری از ادعیه و متون روایی شیعه آمده است، مانند: زیارت آل‌یاسین و زیارت امین‌الله و روایاتی که معصوم علیه السلام را به حجت‌الله خطاب می‌کنند، همانند روایتی که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «منم حجت‌الله، خلیفه‌الله، باب‌الله؛ منم خزانه دار علم خدا و امین سرّ خدا، منم امام خلق پس از بهترین مردم محمد نبی رحمت صلی الله علیه و آله». ^۱ «حجت‌الله»، در تمامی ادعیه و روایات، از نظر معنایی در واقع همان راهنما و دلیل و برهان یقینی معنا شده است. ^۲ در کتب ادعیه و سائر منابع دینی، با روایت‌هایی مواجه می‌شویم که لقب «حجت‌الله» برای معصومین یا برای معصوم خاصی استفاده شده است. پرسش قابل طرح در این‌جا، آن است که این واژه اولین بار برای چه کسی بیان شده و آیا هدف و مقصود خاصی از بیان این لقب بوده است؟ در برخی مقالات؛ همچون مقاله: «تحلیل تاریخی القاب مرتبط با مهدی (با تأکید بر لقب‌های: منصور، سفاح، حجت)» ^۳ صرفاً به بحث لقب حجت

۱. ابن بابویه، الأمالی (للمصدق)، ترجمه: کمره‌ای، ص ۳۶.

۲. عدالت‌نژاد، دانشنامه جهان اسلام، مدخل حجت، بازبایی: ۱۶.

۳. برادران، رضا، صفری فروشانی، نعمت‌الله، سلیمیان، خدامراد، تاریخ اسلامی، ص ۶۵-۹۴.

پرداخته‌اند و به بررسی اصل واژه (حجت‌الله) و اختصاصی بودن و یا نبودن این لقب شاخص اشاره‌ای به میان نیاورده‌اند.

این مقاله به دنبال آن است که بررسی کند آیا رابطه‌ای بین این لقب با امام زمان عجل الله فرجه و سایر معصومین علیهم السلام وجود دارد؟ و همچنین تبیین کنیم که آیا این احتمال داده می‌شود که این لقب، مختص به معصوم خاصی بوده یا خیر؟ و یا آیا می‌توان این موضوع را طرح کرد که این لقب برای اولین نفری که اختصاص پیدا کرده، مختص بوده و برای افراد بعدی با قرائن خاصه اطلاق می‌شد؟ به عبارت دیگر، آیا این لقب مختص به صاحب الزمان عجل الله فرجه می‌باشد یا مختص ایشان نیست و به سائر معصومین: هم اطلاق می‌شود؟ نخست باید با مفاهیم حجت‌الله و لقب آشنا شد.

مفهوم شناسی

لقب

لقب، اسمی است غیر از اسم اصلی که شخص به آن شهرت پیدا می‌کند. نامی که دلالت بر مدح یا ذم شخص کند؛^۱ مانند: هادی و حجت‌الله و... که لقب هستند و جمع آن القاب است.

حجت‌الله

این نکته را باید در نظر داشت که واژه «حجت» به‌تنهایی در این بحث مراد ما نیست؛ هرچند که از قرینه ما بعد و ما قبل آن، مراد از این واژه روشن می‌شود. برای معنای لغوی حجت در العین چنین آمده: «الْحُجَّةُ: وَجْهُ الظَّفَرِ عِنْدَ الْخِصْمَةِ؛ وسیله پیروزی در هنگام مخاصمه».^۲

واژه «حج» که حجت هم برگرفته از آن است، معانی گوناگون دارد. معنای معروف آن، قصد است. به حج خانه خدا هم که حج گفته می‌شود، بدین مناسبت است که قصد به خانه خدا برای انجام مناسک در آن ملحوظ شده است. به راه روشن نیز «مَحَجَّة» گفته می‌شود؛ چون مقصود است. «حجت» هم برگرفته از همین معنی است؛ چون حجت مورد قصد است و با آن می‌توان به حق مطلوب رسید.^۳

این کلمه در قرآن مجید در موارد مختلفی به کار رفته است؛ از جمله: لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ

۱. معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۵۴۵.

۲. فراهیدی، کتاب العین؛ ج ۳؛ ص ۱۰؛ أحمد بن فارس، مقاییس اللغة، مادة حَجَجَ، ج ۲، ص ۲۹-۳۰.

۳. همان

حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا^۱؛ «تا اینکه برای مردم، پس از فرستادن پیامبران، در مقابل خدا بهانه و حجّتی نباشد و خدا توانا و حکیم است».

در این مورد حجت‌الله، به معنای عام و لغوی؛ یعنی همان برهان، به کار رفته است. در زبان فارسی هم این واژه به این معنا تفسیر شده: آنچه با آن بتوان ادعائی را اثبات کرد،^۲ دلیل، برهان.

اما در اصطلاح در روایات، «حجت‌الله»، به امام معصوم به‌عنوان لقب اطلاق شده است. همانند: روایتی که در کتاب عیون اخبار الرضا^ع آمده که مفصل می‌باشد و بحث در مورد صحیفه حضرت زهراء^ع است که اسامی ائمه^ع در آن آمده بود و حضرت اجازه دادند جابر اسامی را بخواند: «... فرمودند: ای جابر! اگر این کار نهی نشده بود، حتماً آن را به دستت می‌دادم، اما نهی شده است که کسی، به آن دست بزند مگر اینکه پیامبر یا وصی پیامبر یا اهل بیت پیامبر باشد ولی تو اجازه داری از روی آن، درون آن را ببینی، جابر گوید: در آن صحیفه چنین آمده بود: أبوالقاسم محمد بن عبدالله المصطفی مادرش آمنه... أبوالقاسم محمد بن الحسن او «حجت‌الله القائم» است؛ مادرش کنیزی است به نام نرجس. درود خدا بر همگی آنان باد».^۳ و همچنین در ادعیه، واژه حجت‌الله به همان معنای اصطلاحی آمده است مانند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِزَادَتِهِ؛ سلام بر تو ای حجت خدا و راهنما به‌سوی اراده‌اش».^۴

انتساب لقب حجت‌الله به ائمه^ع

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی و اندیشه در معنای واقعی حجت‌الله، مشخص می‌گردد که حجت‌الله به معنای واقعی، توانایی آن را دارد که به‌عنوان یک لقب مهم به ائمه اطهار^ع داده شود؛ چراکه بیان شد حجت‌الله در مواردی به کار رفته که به برهان و دلیل قاطع اشاره دارد. نیز بیان شد که ائمه معصومین^ع همان براهین خداوند متعال می‌باشند. بنابراین این واژه، تمام شاخصه‌های یک لقب را که بتوان با او کسی را مدح کرد را دارد و می‌تواند لقبی باشد برای معصومین^ع و جزء القاب شاخص باشد؛ همان‌طور که در روایت آمده است:

حضرت امام کاظم^ع فرمود: «يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا

۱. سوره نساء، آیه ۱۶۵.

۲. انوری، حسن، فرهنگ سخن، ج ۳، ص ۲۴۷۱.

۳. مستفید، حمیدرضا و غفاری، علی‌اکبر، ترجمه: عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۷۷.

۴. ابن مشهدی، المزار الکبیر، تحقیق: قیومی اصفهانی، ص ۵۶۷.

الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأُمَّةُ عَ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ؛ ای هشام! خدا بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و حجت پنهان؛ حجت آشکار، رسولان و پیغمبران و امامانند و حجت پنهان، عقل‌های آنهاست.^۱ در این راه معصومین علیهم‌السلام به‌عنوان نماینده خداوند در روی زمین، خداوند متعال را یاری می‌دهند.

حجت‌الله بودن امام زمان علیه‌السلام

درباره اینکه چرا به امام زمان علیه‌السلام «حجت‌الله» اطلاق شده، نظریات گوناگونی بیان شده است. از جمله گفته‌اند: از نگاه شیعه، حضرت مهدی علیه‌السلام آخرین حجت الهی است؛ از این رو به حجة بن الحسن العسکری علیه‌السلام شهرت دارد.^۲ همچنین خداوند تبارک و تعالی به‌وسیله حجج خود بر بندگانش اتمام حجت می‌کند و حضرت یکی از حجج الهی هست و به همه پرسش‌ها و شبهه‌های آنان پاسخ می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که در سربلندی و نافرمانی از حق، برای هیچ‌کس، بهانه‌ای باقی نخواهد ماند. برخی نیز گفته‌اند: امام زمان علیه‌السلام حجة‌الله است؛ به این معنی که حکومت الهی بر همه خلایق، به دست آن حضرت تحقق خواهد یافت. برخی دیگر گفته‌اند: «لقب آن جناب، حجت‌الله؛ به معنی غلبه یا سلطنت خدا بر خلایق است، چه این دو به واسطه آن حضرت به ظهور خواهد رسید. نقش خاتم آن جناب، أنا حجة‌الله و به روایتی أنا حجة‌الله و خالصته است و به همین مهر، روی زمین حکومت کند».^۳ لذا مراد و مقصود خلقت که انگیزه آفرینش خداوند متعال بوده است، توسط حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام محقق می‌شود، که در واقع همان تکامل انسان‌ها و دنیایی بدون ظلم و ستم، و سراسر عدل و قسط می‌باشد و در کل دوران حکومت انبیاء فقط یک نمونه حکومت حجت الهی انجام شده و آن هم زمان حکومت حضرت داوود بود. حضرت داوود تنها نمونه بارزی از حکومت حجت الهی به‌معنای واقعی است که در گذشته بر روی زمین شکل گرفته است.

دستاوردهای پژوهش

واژه حجت، عبارت است از دلیل و راهنما و برهان؛ طبق تعریفی که در اکثر کتب مشهور است و اما در مورد اینکه «حجت‌الله» اختصاص به یک معصوم دارد یا مشترک است، نیاز به بیان چند نکته است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۶.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۵، ح ۶.

۳. نهایندی، علی‌اکبر، العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان، ج ۹، ص ۱۵۹.

نکته اول

نخستین پرسشی که در ذهن می‌آید این است که این لقبِ حجت‌الله، در ابتدا به چه شخص یا اشخاصی اختصاص یافته است؟

با توجه به معنای اولیه حجت که بیان شد، حجت بر پیامبران و معصومین اطلاق شده است؛ یعنی تمامی انبیاء و رسولان و ائمه اطهار حجت خداوند می‌باشند، اما از نظر عرف امامیه، در اکثر موارد به پیامبر اسلام ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ و ابناء معصومین علیهم السلام ایشان اطلاق شده است. مواردی که در بین شیعیان مشهور است:

اول: عبارت «أشهد أن علياً حجة الله» در اذان است؛ حجت اطلاق شده به امیرالمؤمنین معمولاً در اذان یا ولی‌الله و یا حجت‌الله به حضرت اطلاق می‌شود.

دوم: عنوان «ثامن الحجج»؛ درباره علی بن موسی الرضاؑ، معمولاً شیعیان به حضرت علی بن موسی الرضا ع ثامن الحجج می‌گویند.

سوم: نام‌بردن از امام دوازدهمؑ است که عموماً با القابی همانند: «حجة» و یا با عبارت: «حجة بن الحسن» در بین شیعیان معرفی می‌گردند.

در این میان، کسانی معتقدند که این لقب، به امام زمانؑ اختصاص می‌یابد^۱ و دلیلی را برای اینکه این دیدگاه ذکر کرده‌اند این است که از نگاه شیعه، حضرت مهدیؑ، آخرین حجت الهی است؛ از این رو به حجة بن الحسن العسکریؑ شهرت دارد.

نکته دوم

مبحث دومی که باید بررسی شود، این است که آیا اساساً حجت‌الله مختص به یک معصوم می‌باشد، یا نه؟ به عبارت دیگر، امکان اینکه این لقب اشتراکی باشد، وجود دارد؟ همان‌گونه که در مورد حجت‌الله آمده است که: مقصود از آن برهان خداوند بر بندگان می‌باشد، سنت الهی بر این است که «اتمام حجت» کند؛ یعنی به صورت شفاف و روشن راه را از بیراهه، مشخص و معین نماید و تبیین کند برای بنده خود که راه و مسیر درست از کدام طرف است و مسیر غلط از کدام جهت می‌باشد؛ حال چه این برهان، حجت و راهنمایی، ظاهری باشد، مانند: رسولان و ائمه اطهار علیهم السلام و چه برهان و حجت

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۵، ح ۶.

و راهنمایی پنهانی و درونی باشد؛ مانند عقل.

بنابراین اختصاصی بودن این لقب را از این نوع دلایل نمی‌توان استنباط کرد. البته باید بیان داشت که حجت‌الله نه تنها برای ائمه بیان شده است بلکه برای انبیاء الهی هم بیان شده است؛ مانند این روایت که در مورد حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ وجود دارد:

فَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بِلَالٍ عَنْ يُونُسَ قَالَ اخْتَلَفَ يُونُسُ وَ هِشَامُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالِمِ الَّذِي أَنَاءَ مُوسَى عَ أَيُّهُمَا كَانَ أَعْلَمَ - وَ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ عَلَى مُوسَى حُجَّةٌ فِي وَقْتِهِ - وَ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ يونس و هشام؛ درباره عالمی که حضرت موسی با او ملاقات کرد، اختلاف نموده‌اند که کدامیک از آن دو داناتر است و آیا جایز است که با وجود موسی که حجت زمان بوده، مردی از او داناتر باشد؟^۱

در این روایت صراحتاً بیان شده است ایشان حجت‌الله در وقت خودش بوده است.

و روایت‌های دیگری هم موجود است که به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حجت‌الله اطلاق شده است. روایاتی که علاوه بر ایشان، بر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هم اطلاق شده است، مانند این روایت:

وَ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. ثُمَّ قُلْتُ لَهُ: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، ثُمَّ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَكَانَ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَجَمَكَ اللَّهُ». ثُمَّ كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَانَ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَجَمَكَ اللَّهُ». ثُمَّ كَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَانَ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَجَمَكَ اللَّهُ». ثُمَّ كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَكَانَ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ. فَقَالَ: «رَجَمَكَ اللَّهُ».^۲

به همین منظور مشخص شد، حجت‌الله بر اولیای الهی، در زمان خودشان، اطلاق می‌شود. از زمان انبیاء قبل از نبی مکرم اسلام تا حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ. به همین خاطر است که، بعضی این لقب را مشترک گرفته‌اند و این نکته را هم باید یادآوری کرد که در بعضی از موارد حجت‌الله به معنای اعم (همه اهل بیت) به کار می‌رود؛ همان طور که بیان شد، مثل این روایت: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ

۱. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۸.

۲. حمیری، قرب الإسناد، ص ۶۲.

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمَرَانَ عَنْ أَسْوَدَ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَ فَانْتَشَأَ يَقُولُ
 ابْتِدَاءً مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْأَلَ نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ وَ نَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَ نَحْنُ لِسَانُ اللَّهِ وَ نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ وَ نَحْنُ عَيْنُ
 اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ نَحْنُ وِلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ»^۱.

که مراد از نحن حجت‌الله، همان معنای اعم است، با تمام خصوصیات، و در بعضی از موارد به‌عنوان
 اخص آمده است؛ مثل روایت: «حجت‌الله علی الکافرین»^۲ که در اینجا حجت خداوند بر کافرین مراد
 است، لکن حجت‌الله در بحث ما، از قسم اول می‌باشد؛ چراکه ما در مورد لقب حجت‌الله، صحبت
 می‌کنیم و لقب به معنای شمولی و اعم می‌باشد، نه اینکه به معنای خاص و در یک مورد مخصوص.

نکته سوم

در پایان این سؤال مطرح می‌شود که آیا امکان جمع میان دیدگاه‌ها وجود دارد؟ یعنی امکان جمع
 بین دیدگاه علمایی که قائل هستند؛ «حجت‌الله»، مختص به امام زمان علیه السلام است و نظریه‌ای که قائل
 به عمومیت این واژه برای همه معصومین علیهم السلام هست، وجود دارد؟

در پاسخ می‌توان گفت: بله، امکان چنین دیدگاه مشترکی وجود دارد بدین گونه که آن دسته از
 روایاتی که در آن حجت یا حجت‌الله، بدون قرینه (قرینه به امام خاصی) آمده باشد، مقصودشان امام
 زمان علیه السلام است، و آن دسته از روایاتی که همراه با واژه (حجت‌الله)، قرینه‌ای آمده باشد؛ یعنی اشاره به
 امام خاصی کرده، مختص به همان امام می‌باشد؛ مانند جمله‌ای که در اذان گفته می‌شود: «أَشْهَدُ أَنَّ
 عَلِيًّا حُجَّةُ اللَّهِ» که اختصاص به امیرالمؤمنین علیه السلام دارد. همچنین در روایتی که بیان شد- در کتاب
 عیون اخبار الرضا- «حجت‌الله» به‌صراحت برحضرت مهدی علیه السلام اطلاق شده است: «او حجت‌الله
 القائم است، مادرش کنیزی است به نام نرجس. درود خدا بر همگی آنان باد». و نیز این روایت مشهور:
 «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثًا فَأَيُّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۳ که
 به روشنی بیان شده که من حجت‌الله هستم.

و از سوی دیگر، در روایاتی که این واژه مطلق آمده؛ یعنی فقط به ذکر حجت‌الله بسنده کرده، مراد
 حضرت مهدی علیه السلام می‌باشند. چنانکه برخی از علما معتقدند که: «این از القاب شایع آن جناب است که

۱. صفار قمی، بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و سلم، ج ۱، ص ۶۱.

۲. ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۳۹۵.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۴۸۴.

در ادعیه و اخبار بسیاری به همین لقب مذکور شده‌اند و بیشتر محدثین، آن را ذکر نموده‌اند. سایر ائمه علیهم السلام در این لقب، شریک‌اند و همه از جانب خداوند، حجت‌های بر خلق‌اند، لکن این لقب چنان به آن جناب اختصاص دارد که در اخبار هر جا بی‌قرینه و شاهدهی ذکر شود، مراد، آن حضرت است.^۱

بنابراین، روشن شد که امکان جمع میان دیدگاه‌ها وجود دارد؛ البته دلیل و برهان یقینی بر این جمع در کتب روایی وجود ندارد؛ با این وجود نمی‌توان قائل به ضعف آن بشویم؛ چراکه سیره علماء تقریباً بر همین طریق جمع بوده است. و در روایت‌هایی بر همین دیدگاه تاکید کردند؛ مانند روایت: «أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَ لَمْ يَظْهَرُوا لَهُمْ وَ لَمْ يَعْلَمُوا مَكَانَهُ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّةُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ لَا مِيثَاقُهُ فَعِنْدَهَا فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً فَإِنَّ أَشَدَّ مَا يَكُونُ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّتَهُ وَ لَمْ يَظْهَرُوا لَهُمْ وَ قَدْ عَلِمَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ لَا يَرْتَابُونَ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّهُمْ يَرْتَابُونَ مَا عَيَّبَ حُجَّتَهُ عَنْهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا عَلَى رَأْسِ شِرَارِ النَّاسِ؛ مفضل بن عمر از امام صادق ع فرمود: بندگان به خدا جلّ ذکره نزدیک‌ترند و خدا از آنها راضی‌تر است در وقتی که حجت خدا از میان آنها مفقود شود و او را نتوانند دید و جای او را هم ندانند و باز در عین حال معتقد باشند که حجت خدا جلّ ذکره از میان نرفته و میثاق و پیمان‌ش باطل نگشته، در این حال در هر بامداد و پسین در انتظار فرج باشید؛ زیرا سخت‌ترین موقع خشم خدا بر دشمنان خود موقعی است که حجت خدا را از دست بدهند و او را نیابند و برای آنها ظاهر نگردد. خدا می‌داند که دوستانش شک نمی‌کنند و اگر می‌دانست شک می‌کنند یک چشم به هم‌زدن حجت خود را از آنها نهان نمی‌داشت و این غیبت امام نمی‌شود مگر بر سر بدترین مردم (یعنی علتش بدترین مردمند)^۲ که در ذیل این قسمت از روایت (مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ) بعضی از علماء توضیح داده‌اند که اگر حجت‌الله، بدون قرینه بیاید، مراد امام زمان ع می‌باشد.^۳

۱. نهایندی، العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان، ج ۹، ص ۱۵۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۳. نهایندی، العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان، ج ۹، ص ۱۵۸.

نتیجه

با توجه به نکات بیان شده، روشن شد که لقب «حجت‌الله» در ابتدا مشترک دیده شده است. یعنی؛ لقب حجت‌الله برای همه معصومین علیهم‌السلام به کار گرفته شده است و به لحاظ معنایی شامل همه حجج الهی می‌شود و اگر این واژه، به تنهایی و بدون قرینه باشد، اختصاص به امام زمان علیه‌السلام دارد؛ چنانکه در بیشتر عبارات ادعیه و احادیث ماثور چنین وضعیتی وجود دارد و در مواردی که همراه با قرینه خاصی و منسوب به یکی از معصومین علیهم‌السلام و انبیای الهی آمده باشد، بی تردید، در آنجا مقصود همان معصوم و ولی خدا است.

۱. ابن فارس، احمد، **مقائیس اللغة**، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت، بی تا.
۲. انوری، حسن، **فرهنگ سخن**، قم، انتشارات سخن چاپ، ۱۳۸۳.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **الأمالی (للسدوق)**، ترجمه: کمره‌ای، تهران، ۱۳۷۶.
۴. ابن مشهدی، **المزار الکبیر**، تحقیق: قیومی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
۵. برادران، رضا، صفری فروشانی، نعمت‌الله، سلیمیان، خدامراد، **مقاله تحلیل تاریخی القاب مرتبط با مهدی (با تاکید بر لقبهای: منصور، سفاح، حجت)**، دانشگاه آزاد اسلامی، تاریخ اسلامی، ۱۴۰۰، دوره ۱۷، ش ۳، شماره پیاپی ۳۶، صص ۶۵-۹۴.
۶. ثقفی، ابراهیم بن محمد، **الغارات**، انجمن آثار ملی، بی تا.
۷. حویزی (یا هویزی)، عبدعلی بن جمعه **تفسیر نورالثقلین**، قم: مطبعة العلمیه، ۱۳۸۳ق.
۸. حمیری، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**، قم: مؤسسه آل البيت: لإحياء التراث، ۱۴۱۳ق.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، **کمال‌الدین و تمام‌النعمه**، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲.
۱۰. صفار قمی، ابن فروخ، **بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم**، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۱۱. عدالت‌نژاد، سعید، **مدخل حجت**، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۲.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۱۳. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، نشر دارالکتاب، ۱۳۶۳ق.
۱۴. قمی، عباس، **مفاتیح الجنان**، تنظیم: محمدباقر کمره‌ای، قم: الهادی، ۱۳۹۰.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۶. معین، محمد، **فرهنگ معین**، تهران: کتاب راه نو، ۱۳۸۱.
۱۷. مستفید، حمیدرضا و غفاری، علی اکبر، **ترجمه عیون اخبار الرضا**، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۲.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۱۵ق.
۱۹. نهاوندی، علی اکبر، **العقبی الحسنان فی احوال مولانا صاحب‌الزمان**، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.

بررسی و نقد دیدگاه ویلفرد مادلونگ درباره جهان پس از مهدی عجله الله تعالی فرجه

سید علی کاظمی^۱

چکیده

بررسی نگاه مستشرقان به مسئله مهدویت به منظور بهره‌گیری از روش‌های مطالعاتی و استفاده از زبان بین الملل و بالطبع به جهت گستردگی مخاطب، برای کارشناسان حوزه مهدویت بسیار ضروری است. در این میان بررسی دیدگاه‌های مستشرقانی چون ویلفرد مادلونگ به جهت ویژگی‌های برجسته‌ی تحقیقاتی، تأثیرگذاری بالا و آثار فراوانی که دارد، ضرورت دو چندانی پیدا می‌کند.

این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته است. حکومت فرزندان و برپایی قیامت دو دیدگاهی است که مادلونگ درباره جهان پس از مهدی عجله الله تعالی فرجه مطرح می‌سازد و برپایی قیامت را موافق با اکثر روایات می‌داند. بعد از بررسی روشن می‌شود که در این زمینه چهار دیدگاه وجود دارد. هرچند دیدگاه برپایی قیامت قائلینی دارد اما دیدگاه رجعت ائمه علیهم السلام هنگام ظهور و حکومت ایشان بعد از امام مهدی عجله الله تعالی فرجه موافق‌ترین نظر با روایات است.

واژگان کلیدی: مادلونگ، آخرالزمان، جهان پس از مهدی عجله الله تعالی فرجه، رجعت

مهدویت یکی از موضوعات جذاب و مورد علاقه‌ی مستشرقان نیم قرن اخیر بوده است. در همین زمان اندک آنها در این موضوع مقالات و کتب زیادی نوشته‌اند که بررسی و نقد آنها ضروری می‌باشد؛ چرا که نوعاً از روایات اهل سنت استفاده کرده‌اند و با مبانی امامیه در این موضوع که از مختصات شیعه است، کمتر آشنایی دارند. این مسئله وقتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم دنیای امروز در واقع با نوشته‌ها و نوع نگاه، اسلام و مبانی آن را می‌شناسند.

ویلفرد مادلونگ از جمله مستشرقانی است که به جهت آثار متعدد در موضوعات مختلف و سبک خاصش در تحقیق، آثارش مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین تحقیق و بررسی دقیق و در صورت نیاز نقد آثار او بسیار ضروری است.

وی در دایرة المعارف اسلامی مدخل المهدی را نوشته که در بخشی از آن درباره جهان پس از مهدی عج سخن گفته و آن را در دو مورد خلاصه کرده است.

درباره پیشینه این بحث معرفی آثار در دو بخش صورت می‌گیرد:

بخش اول. آثار و روش‌شناسی ویلفرد مادلونگ: آثار مادلونگ به جهت داشتن ویژگی‌های خاصی مورد توجه پژوهشگران حوزه اسلامی بوده و از این رو مقالات وی ترجمه شده و مورد استفاده قرار گرفته است. آقایان جندقی، دهقانی و سعادت این مقالات را ترجمه کرده‌اند.

- کتاب مهدویت در آثار ویلفرد مادلونگ، اثر آقای زهیر دهقانی آرانی. در این کتاب شش مقاله مهم مادلونگ در حوزه مهدویت ترجمه و بر آن حاشیه زده شده است.

- مقاله‌ی «المهدی» و «قائم آل محمد» ترجمه‌ی آقای جندقی در فصلنامه انتظار موعود شماره ۱۰ و ۱۱ به چاپ رسیده است.

- مقاله‌ی «بررسی سنت اعتراض و جایگاه آن در فرهنگ تشیع از نگاه شرق‌شناسان مطالعه موردی ویلفرد مادلونگ» که نوشته مریم سعیدیان جزئی است.

- مقاله‌ی «بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی» نوشته احمد بهشتی مهر که به معرفی و مقایسه‌ی مادلونگ با برخی از مستشرقان می‌پردازد و می‌کوشد تمایز و برتری آثار وی را نشان دهد. آثار مادلونگ درباره موضوعات مختلف است که در این زمینه نقدهایی هم بر آنها نگاشته شده است.

بخش دوم. موضوع جهان پس از مهدی: مقاله‌ی محمد شهبازیان چاپ‌شده در فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، شماره ۴۲، با عنوان «بازنگری در روایات جهان پس از حضرت مهدی عجل از منظر شیعه» است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و پس از جبران نواقص مطالعات قبلی اعم از عدم ارائه کامل نظریات و عدم نقد کامل دیدگاه‌های دیگر، رجعت ائمه علیهم‌السلام و حکومت ایشان را اثبات و از این رهگذر استدلال برخی جریان‌های مدعی را باطل کرده است. در اینجا از مقاله‌ای با عنوان «جهان پس از امام مهدی علیه‌السلام از دیدگاه روایات» نگارش خانم منیره قضاوی چاپ‌شده در شماره ۳۲ فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود نیز می‌توان نام برد.

معرفی ویلفرد مادلونگ و آثارش

ویلفرد مادلونگ (Wilferd Madelung) یکی از برجسته‌ترین شیعه‌شناسان غربی است که شناخت سبک کار و نوع پژوهش وی بسیار مهم است. او را در غرب، «شیخ تمام شاخه‌های شیعه‌شناسی» می‌خوانند (۱۷: ۲۰۰۱، Schmidtke) و حتی امروزه شاگردان او از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین شیعه‌شناسان دوره معاصر به شمار می‌آیند. وی مقام استادی کرسی لادیان در [زبان] عربی و مطالعات اسلامی دانشگاه آکسفورد را دارد و عضو ارشد مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن است.^۱

مادلونگ یکی از شخصیت‌های پرکار و پرنویس و شیعه‌شناسی قابل در میان مستشرقان است که حدود دویست کتاب و مقاله در نشریات علمی و دایرة‌المعارف‌ها نوشته یا تصحیح کرده که عمده آثار علمی او مقالاتش می‌باشند. همین آمار آثار او در کنار سبک ویژه‌ای که در پژوهش خود دارد، او را به یکی از برترین و اثرگذارترین شیعه‌شناسان معاصر تبدیل کرده و حتی در جوامع شیعی برخی از آثار وی مورد پذیرش قرار گرفته است. مهم‌ترین عامل موفقیت ایشان در توجه ویژه‌ی او به نکات روش‌شناسانه و تحقیقات روشمند است.

۱. بهشتی مهر و تقی‌زاده داوری، «بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی»، ص ۲۳-

سبک‌شناسی

همان‌گونه که بیان شد، سهم برجسته‌ای از موفقیت مدل‌ونگ در سبک خاصی است که ایشان دارد. سبک کاری این مستشرق آلمانی در تحقیقات، این است که به پدیده‌ها با نگاهی کاملاً تاریخی نگریسته است. او بر خلاف بسیاری از مستشرقان، در تحقیقات خود نکات مثبت فراوانی دارد که وی را از دیگران متمایز ساخته و آثار او را تا حدودی به آثاری قابل قبول تبدیل کرده است؛ هر چند در مواردی ضعف‌هایی هم مشاهده می‌شود. از نقاط مثبت روش او می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

۱. استفاده از منابع معتبر و درست اول؛

۲. تفکیک میان منابع شیعه و سنی؛

۳. تفکیک منابع امامی از منابع فرقه‌های دیگر شیعه؛

۴. تفکیک منابع به لحاظ موضوعی (کلامی، تفسیری، حدیثی)؛

۵. استفاده از منابع پرشمار؛

۶. شناخت عالمان و متکلمان برجسته شیعه؛

۷. نگاه جامع و نظام‌مند به تشیع؛

۸. استفاده از منابع مستشرقان.

از میان مستشرقانی که درباره شیعه کار کرده‌اند، کمتر کسی راه درست آن را پیموده است؛ چراکه آنها غالباً برای این منظور به سراغ منابع عام اسلامی رفته‌اند که در بسیاری از آنها نگاه درست و دقیقی به شیعه وجود ندارد؛ برای نمونه سید حسین نصر در مقدمه کتاب شیعه در اسلام می‌نویسد:

وانگهی تقریباً تمام منابع اروپاییان در تحقیقاتی که درباره اسلام انجام می‌گیرد از منابع اهل تسنن است و هرگاه از قرآن و حدیث و سیره نبوی و فقه و کلام سخن به میان می‌آید، معمولاً مقصود همان نظر اهل سنت و جماعت است، حتی اگر این نظر نیز بیشتر تحریف یافته و مغرضانه بیان شده است، در آثار موجود به زبان‌های اروپایی، تشیع به صورت یک فرقه فرعی معرفی شده و تمام دید و علت وجودی آن به یک نزاع صرفاً سیاسی و اجتماعی تقلیل یافته و کمتر به علل دینی که باعث پیدایش شیعه گردید، توجه شده است، حتی در تحقیقات درباره شیعه به طور کلی باز سهم اساسی از آن اسماعیلیه است و شیعه دوازده امامی حتی به

اندازه مکتب اسماعیلی مورد نظر قرار نگرفته است.^۱

اما با بررسی آثار ویلفرد مادلونگ به این نکته می‌توان پی‌برد که وی نسبت به اکثر مستشرقان، در تحقیقات خود کمتر دچار این اشتباه بزرگ شده است؛ چراکه او نگاه ویژه‌ای به منابع کهن و اصلی شیعه داشته و با تفکیک مبنایی آثار بزرگان شیعه آشنا بوده است؛ برای نمونه در کتاب مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه از آثار نویسندگان ذیل بهره برده است: شش کتاب از شیخ صدوق، دو کتاب از شیخ مفید، شش کتاب از سید مرتضی، پنج کتاب از شیخ طوسی، چهار کتاب از قاضی نعمان، سه کتاب از کشی، سه کتاب از محقق حلی، دو کتاب از شیخ حر عاملی و آثار دانشمندان برجسته شیعی مانند کلینی، نجاشی، نوبختی، سعد بن عبدالله اشعری، یعقوبی، قاضی نورالله شوشتری، علامه مجلسی و دیگران. یا در مقاله‌ای که در موضوع عصمت نوشته است، بر خلاف دیگران به صورت گسترده از منابع شیعی همچون آثار شیخ مفید و سید مرتضی استفاده کرده است.

سید حسین نصر درباره علت برداشت نادرست مستشرقان از شیعه می‌نویسد:

شاید سوابق تاریخی مغرب زمین علت اصلی این محدودیت باشد. غرب تاکنون دو بار با اسلام تماس مستقیم داشته است: با اعراب در اندلس و صقلیه (سیسیل) و با اتراک در شرق اروپا. در هر دو مورد تماس با اسلام به صورت سنی آن بود و رابطه با تشیع محدود به روابط نسبتاً سری و محدود با برخی حوزه‌های اسماعیلی در فلسطین در جنگ‌های صلیبی و شاید در برخی مراکز اندلس گردید.^۲

با همه‌ی این نکات مثبتی که در سبک کاری مادلونگ وجود دارد، باز هم در بسیاری از موارد یا زود نتیجه‌گیری کرده و یا در برخی از موارد به درستی نتیجه‌گیری نکرده است.

مادلونگ و مهدویت

مادلونگ در موضوع مهدویت و موضوعات مرتبط با آن مقالاتی دارد که از آن جمله می‌توان موارد ذیل را نام برد: ۱. «مدخل المهدی»: مادلونگ در این مقاله که در دایرة المعارف اسلام^۳ به چاپ

۱. طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۳.

۲. همان، ص ۱۳.

۳. دایرة المعارف مذکور یکی از کاملترین و معتبرترین دایرة‌المعارف‌های موجود در جهان غرب به شمار می‌رود که با محوریت اسلام و عقاید و آرای فرق مختلف اسلامی به نگارش در آمده و به دفعات متعدد تجدید چاپ شده است.

رسیده است، به بررسی تاریخی این واژه و کسانی که در طول تاریخ اسلام این اسم برای آنها به کار رفته، پرداخته است. این مقاله نشان‌دهنده دو نکته مهم است: یکی اینکه فرهیختگان و دانشمندان غربی با منابع معتبر شیعه آشنایی کافی ندارند و بیشتر به برخی منابع اهل سنت رجوع می‌کنند؛ دیگر اینکه علما و حوزه‌های شیعی برای معرفی شیعه و مبانی اعتقادی آن به فرهیختگان و دانشمندان جهان، چه مسئولیت سنگینی پیش‌رو دارند.^۱

۲. «مدخل قائم آل محمد»: در این مدخل از دایرة المعارف اسلام، بعد از بررسی تاریخی آن، به کلیاتی از اعتقادات و باورهای شیعه در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه اشاره کرده است.

۳. «مدخل سفیانی در دایرة المعارف اسلامی»: در این مدخل به پیشینه تاریخی سفیانی و برخی روایات در این زمینه می‌پردازد.

۴. «مقایسه سفیانی در سنت و تاریخ»: یکی از آثاری که می‌توان آن را اثری مفصل در مورد سفیانی دانست، همین مقاله‌ی مادلونگ است که در آن بعد از بررسی آثار مستشرقان درباره سفیانی، روایات موجود در مورد سفیانی در کتاب الفتن نعیم بن حماد را نقد و بررسی کرده است.

۵. «عبدالله بن زبیر و مهدی»: این مقاله نقد و بررسی چند روایت درباره ارتباط مهدی با عبدالله بن زبیر است که مادلونگ همه را ساخته‌ی طرفداران او می‌داند.

۶. «پیشگویی‌های آخرالزمانی در حمص در عصر بنی‌امیه»: این مقاله به دنبال نقد و بررسی پیشگویی‌های آخرالزمانی‌ای است که در حمص اتفاق افتاده است. حمص در دوران بنی‌امیه به مدرسه حدیثی قوی تبدیل شد که عموماً روایات آنها هم در جهت تقویت بنی‌امیه شکل می‌گیرد و عموماً بر مخالفت با امام علی علیه السلام می‌باشند.

۷. «ولایت در شیعه اثنی عشری در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام»: در این مقاله به ولایتی که از طرف خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از آن به ائمه علیهم السلام داده شده، می‌پردازد و به این ولایت در عصر غیبت و نظرهای موجود در این باره اشاره می‌کند.

از آثار یادشده به جز مورد آخر، موارد دیگر در کتاب مهدویت در آثار ویلفرد مادلونگ تألیف آقای زهیر دهقانی آرانی همراه با حواشی مهم بر مباحث آن، ترجمه شده است. همچنین شایان ذکر است که مادلونگ در حوزه مهدویت آثار دیگری نیز دارد که به مهم‌ترین آنها اکتفا شد. برای آشنایی با دیگر

۱. جندقی، «مهدویت از دیدگاه دین‌پژوهان و اسلام‌شناسان غربی»، دائرة المعارف اسلام چاپ کمبریج، ص ۱۲۳-۱۴۸.

آثار مهدوی وی، می‌توان به کتاب یاد شده رجوع شود.^۱

جهان پس از مهدی علیه السلام

مادلونگ در مقاله «قائم آل محمد»^۲ که به قسمتی از معارف و اعتقادات شیعه در مورد امام عصر علیه السلام پرداخته، در زمینه‌ی جهان پس از مهدی علیه السلام می‌نویسد:

اگرچه برخی روایات از حکومت فرزند قائم سخن می‌گویند، اما اکثر آنها تصریح می‌کنند که پس از رحلت قائم تا قیامت و روز رستاخیز فقط چهل روز نا آرامی خواهد بود.^۳

منظور مادلونگ از روایات حکومت فرزندان قائم، همان روایاتی است که در دیدگاه سوم بررسی خواهیم کرد. ایشان می‌گویند اکثر روایات این باب تصریح به قیامت پس از رحلت قائم دارد که از این سخن فهمیده می‌شود به نوعی دیدگاه وی نیز همین باشد که آنچه در جهان پس از مهدی علیه السلام رخ خواهد داد همین است. در ادامه، روایات و دیدگاه‌هایی که در این زمینه وجود دارد، ذکر خواهد شد.

دیدگاه‌های مختلف در زمینه جهان پس از مهدی

درباره جهان پس از وفات حضرت مهدی علیه السلام در میان عالمان و صاحب نظران در عرصه‌ی مهدویت، این دیدگاه‌ها وجود دارد:

۱. پنجاه سال هرج و مرج؛

۲. وقوع قیامت؛

۳. استمرار حکومت توسط فرزندان حضرت (مهدیون)؛

۴. رجعت ائمه علیهم السلام و ادامه حکومت توسط ایشان.

هر یک از دیدگاه‌های چهارگانه در میان قدما و معاصرین قائلینی دارند که نیاز به تحلیل و بررسی است. در اینجا این موارد را به اختصار بررسی و سعی می‌کنیم به نظریه‌های دوم و سوم که مادلونگ مطرح کرده، بیشتر بپردازیم.

۱. ر.ک: دهقانی آرانی، مهدویت در آثار ویلفرد مادلونگ، ص ۱۲.

۲. جندقی، «مهدویت از دیدگاه دین‌پژوهان و اسلام‌شناسان غربی»، دائرة المعارف اسلام چاپ کمبریج، ص ۲۰۱-۲۰۵.

3. Although some traditions speak of the reign of a son of the Kaim, the majority affirm that there will be only forty days of turmoil after the passing of the Kaim until the Resurrection and the Judgment.

پنجاه سال هرج و مرج

در چند روایت این تعبیر وجود دارد که بعد از حضرت مهدی علیه السلام دنیا دچار هرج و مرج خواهد شد؛ از آن جمله روایتی که نعمانی در الغیبه ذکر کرده است و دیگران همچون شیخ طوسی و صاحب احتجاج و عیون با اندکی اختلاف با همان سند این روایت را ذکر کرده‌اند، روایت چنین است:

وَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَثْمَانَ بْنِ عَلَانَ الدُّهْنِيُّ الْبَغْدَادِيُّ بِدَمَشَقَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي خَيْثَمَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْجَعْدِ قَالَ: حَدَّثَنَا زُهَيْرُ بْنُ مُعَاوِيَةَ عَنْ زِيَادِ بْنِ خَيْثَمَةَ عَنِ الْأَسْوَدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمْرَةَ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ. قَالَ فَلَمَّا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَتَتْهُ قُرَيْشٌ فَقَالُوا لَهُ: ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا؟ قَالَ: ثُمَّ يَكُونُ الْهَرْجُ؛ جَابِرُ بْنُ سَمْرَةَ مَيَّ غَوِيْدٌ: اَزْ رَسُوْلِ خُدا شَنِيدِمْ كِهْ مِيْ فَرْمَايِدْ: پَسْ اَزْ مَنْ دَوَازِدِهْ جَانَشِيْنِ خَوَاھِدْ بُوْدْ كِهْ هَمِهْ اَنَانْ اَزْ قَرِيْشِ اَنْدِ. رَاوِيْ گُوِيْد: هَنْگَامِيْ كِهْ رَسُوْلِ خُدا بِهْ مَنْزِلْ بَازْگُشْتِ، قَرِيْشِ نَزْدِ اَنْ حَضْرَتِ اَمْدِهْ، بِهْ اَوْ گُفْتَنْد: سِپَسْ چِهْ مِيْ شُوْد؟ فَرْمُوْد: سِپَسْ اَشُوْبْ وَ نَابَسَامَانِيْ رُوِيْ خَوَاھِدْ دَاْد.^۱

نعمانی رحمته الله قبل از آوردن روایات این فصل از باب چهارم در توضیح مختصری می‌گوید این روایات از عامه می‌باشند. لذا قطعاً نقل آنها به معنای تأیید و قبول همه‌ی محتوای آنها نیست. ایشان می‌نویسد:

ثم إنا وجدنا أصحاب الحديث من العامة بعد هذا قد رووا في كتبها من طرق شتى ذكر الاثني عشر إماماً وأوردناها في هذا الباب على حسب ما انتهى إلينا منه زيادة في تأكيد الحجّة على المخالفين والشاكين على أن لا نعول إلا على رواية الخاصة... علاوة بر آنچه گذشت، ما اصحاب حديث اهل سنت را یافته‌ایم که در کتاب‌های خود از طرق مختلف دوازده امام را در کتبشان ذکر کرده‌اند. ما آن روایات را به همان ترتیب که به ما رسیده، در این باب آورده‌ایم، به جهت افزودن بر تأکید حجت بر مخالفان و ناباوران، با وجود اینکه ما جز بر روایات شیعه تکیه نمی‌کنیم.^۲

ایشان در آخر این باب نکات دیگری را بیان می‌کند و می‌نویسد:

و في قوله في آخر الحديث الأول ثم المهرج أدل دليل على ما جاءت به الروايات متصلة من وقوع المهرج بعد مضي القائم خمسين سنة ...؛ و فرمایش آن حضرت در پایان حدیث اول که فرموده:

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۰۲.

۲. همان

«سپس آشوب می‌شود»، خود روشن‌ترین دلیل است بر آنچه در روایات پیوسته آمده که پس از سپری شدن زمان قائم علیه السلام پنجاه سال آشوب روی خواهد داد...^۱

با توجه به ضعف سند این روایات و ناسازگاری آنها با باورهای شیعه، در توضیح این دسته از روایات می‌توان گفت محتوای هرج و مرج پس از دوران حضرت مهدی علیه السلام موافق عقاید اهل سنت است و نمی‌توان آن را در میان شیعیان به عنوان نظری قابل اعتنا شمرد. لذا ممکن است جناب نعمانی رحمته الله نیز این بیان را صرفاً در تأیید حکومت مجدد امام حسین علیه السلام و حضرت علی علیه السلام ذکر کرده باشد. پس نعمانی رحمته الله این نظریه را به عنوان نظریه مختار خویش مطرح نکرده است. با توجه به آنچه گذشت، عدم صحت این نظریه را می‌توان پذیرفت.

وقوع قیامت

دیدگاه پایان یافتن عمر دنیا و وقوع قیامت پس از وفات حضرت مهدی علیه السلام قائلینی دارد؛ برای نمونه طبرسی در این زمینه این‌گونه می‌نویسد: «وقت وفاته یكون قبل القيامة بأربعين يوماً...؛ وقت وفات مهدی چهل روز قبل از قیامت است»^۲. علامه جوادی آملی^۳ و بزرگان دیگری همچون شیخ مفید همین دیدگاه را دارند که در پایان ذکر خواهد شد. در میان اهل سنت نیز صاحب کتاب عقد الدرر می‌گوید:

و هي أدل دليل على انقضاء الأيام المهدية، سقى الله عهدها، ثم لا خير في عيش الحياة بعدها و ليس بينها و بين النّفخة الأولى مدّة: سپس خیری در زندگی پس از مهدی نیست و بین زندگی پس از مهدی و بین نفخه اولی (قیامت) زمانی نیست.^۴

شیخ صدوق نیز حتی بدون تعیین طرفی، در مقام قطعیت اثنی عشر بودن ائمه می‌فرماید:

...ثم يكون بعده ما يذكره من كون إمام بعده أو قيام القيامة و لسنا مستعبدین في ذلك إلا بالإقرار باثني عشر إماماً...؛ او تکلیف بعد از خود را بیان می‌کند که آیا حجتی بعد از او خواهد بود یا قیامت بر پا می‌شود. ما تکلیفی نداریم، جز اعتقاد به دوازده امام.^۵

۱. همان، ص ۱۰۷.

۲. طبرسی، تاج الموالید، ص ۱۱۶.

۳. ر. ک: جوادی، امام مهدی موجود موعود، ص ۲۷۰.

۴. مقدسی شافعی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، ص ۳۱۸.

۵. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۷۷.

مرحوم کلینی رحمته الله علیه در کافی روایت صحیح‌های را نقل می‌کند که در آن به خالی بودن زمین از حجت الهی به مدت چهل روز قبل از قیامت اشاره دارد:

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ جَمِيعًا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْخَمِيرِيِّ قَالَ: اجْتَمَعَتْ أَنَا وَ الشَّيْخُ أَبُو عَمْرٍو رحمته الله علیه عِنْدَ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ. فَعَمَّرَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ. فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا عَمْرٍو إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ شَيْءٍ وَ مَا أَنَا بِشَاكٍ فِيْمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْهُ فَإِنَّ أَعْتِقَادِي وَ دِينِي أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَّا إِذَا كَانَ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا...؛ حمیری گوید: من و شیخ ابو عمرو (عثمان بن سعید عمری نایب اول) رحمته الله علیه نزد احمد بن اسحاق گرد آمدیم. احمد بن اسحاق به من اشاره کرد که راجع به جانشین (امام حسن عسکری رحمته الله علیه) از شیخ بپرسم. من به او گفتم، ای اباعمر، من می‌خواهم از شما چیزی بپرسم که درباره آن شک ندارم؛ زیرا اعتقاد و دین من این است که زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی‌ماند، مگر چهل روز پیش از قیامت...^۱

همان‌گونه که گذشت، مادلونگ قائل بود اکثر روایات بر وقوع قیامت بعد از وفات امام مهدی رحمته الله علیه دلالت دارد؛ اما معلوم نیست ایشان این روایات کثیر را از کجا ذکر کرده است. به احتمال قوی این سخن را از شیخ مفید گرفته باشد که شیخ در این زمینه می‌نویسد:

وَ أَكْثَرُ الرِّوَايَاتِ أَنَّهُ لَنْ يَمُوتَ مَهْدِيٌّ رحمته الله علیه هَذِهِ الْأُمَّةُ إِلَّا قَبْلَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا يَكُونُ فِيهَا الْهَرَجُ...؛ و در بیشتر روایات است که مهدی این امت از دنیا نرود، مگر چهل روز پیش از قیامت و در آن چهل روز فتنه و آشوب شود.^۲

در سخن احمد بن اسحاق که در کافی آمده هرچند سخن از خالی نبودن زمین از حجت تا چهل روز قبل وقوع قیامت است، اما اولاً که این سخن سخن امام نبوده و سخن احمد بن اسحاق است و ثانیاً از این روایت مشخص نمی‌شود که آن حجت آخر کیست. از طرفی شیخ مفید نیز با اینکه بیان می‌کند اکثر روایات بر این دیدگاه دلالت دارد؛ اما در ادامه عبارتی می‌آورد که گویی برای ایشان هم قطعیت این دیدگاه ثابت نیست. ایشان در ادامه می‌نویسد: « وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكُونُ وَ هُوَ وِلِيُّ التَّوْفِيقِ لِلصَّوَابِ...؛ و خدا داناتر است به آنچه خواهد شد و توفیق و صواب به دست او است».^۳

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت ممکن است بعد از امام مهدی رحمته الله علیه حکومت ایشان به دست

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۷.

۳. همان

ائمہ علیہم السلام ادامه داشته باشد تا قبل از قیامت و چهل روز قبل از قیامت هرج و مرج رخ دهد. پس این دیدگاه هم قطعی نیست.

استمرار حکومت به دست فرزندان امام مهدی علیه السلام

مادلونگ با بیان این نکته که «اگرچه برخی روایات از حکومت فرزند قائم سخن می‌گویند...» یکی از احتمالات در مورد جهان پس از مهدی را حکومت فرزندان حضرت معرفی کرده است. این بیان را هم از شیخ مفید گرفته است، آنجا که شیخ در الارشاد می‌نویسد:

وَ لَيْسَ بَعْدَ دَوْلَةِ الْقَائِمِ لِأَحَدٍ دَوْلَةٌ إِلَّا مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّوَايَةُ مِنْ قِيَامِ وُلْدِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ذَلِكَ وَ لَمْ تَرِدْ بِهِ عَلَى الْقَطْعِ وَ الثَّبَاتِ؛ و پس از دولت قائم علیه السلام برای هیچ کس دولت و سلطنتی در زمین نخواهد بود، جز آنچه در روایات آمده که اگر خدا بخواهد فرزندان آن حضرت پس از او سلطنت کنند و به طور قطع در این باره روایتی نرسید.^۱

بررسی این دیدگاه از این منظر اهمیت بیشتری دارد که برخی از مدعیان دروغین با استناد به همین روایات در صدد اثبات ادعای خود هستند؛ کسانی همچون احمد اسماعیل بصری که بیشتر ادعای خود را بر پایه‌ی همین روایات مطرح می‌کند.

مهم‌ترین دلیلی که برای این نظریه می‌توان ارائه نمود حدیث وصیتی است که شیخ طوسی رحمته الله آن را در کتاب شریف الغیبه خود بدین شکل نقل کرده است:

...فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلْمَهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا (فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ) فَلْيَسَلْمَهَا إِلَى ابْنِهِ أَوَّلِ الْمُقَرَّبِينَ لَهُ ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءُ اسْمِ كَا سِمِي وَ اسْمِ أَبِي وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْإِسْمُ الثَّلَاثُ الْمَهْدِيُّ هُوَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ...؛ و زمانی که مرگ او فرا رسید، آن را به فرزندش [محمد] که حافظ شریعت و آل محمد است، بسپارد. این دوازده امام بود، بعد از ایشان دوازده مهدی خواهد بود. پس وقتی که زمان رحلت امام دوازدهم رسید، جانشینی من را به فرزندش که اولین و برترین مقربین است، تسلیم نماید و او سه نام دارد: یک نامش مانند نام من است و نام دیگرش مثل نام پدر من

۱. همان، ص ۳۸۷.

است و آن عبدالله و احمد است و سومین نام او مهدی خواهد بود و او اولین مؤمنان است.^۱

نظر عالمان شیعه پیرامون این دسته از روایات:

شیخ حر عاملی رحمته الله بعد از نقل این روایات می‌نویسد:

اما احادیثی که می‌فرماید بعد از مهدی عجل الله فرجه دوازده نفر امام دیگرند و روایاتی که در این زمینه وارد شده، دلالت قطعی ندارد. در روایات بسیاری هم وارد شده که ائمه دوازده نفرند و دولشان تا قیامت ادامه دارد و دوازدهمین، آخر اوصیا و امام‌ها و جانشینان است و ائمه تا قیامت از اولاد حسین علیه السلام هستند و اگر بر ما لازم بود که به امامت دوازده نفر بعد از آنها (که در روایات دیگری وارد شده) اقرار کنیم، باید حدیث‌های متواتری هم در این باره باشد که در برابر حدیث‌های معارض بتواند مقاومت کند و ملاحظه جمع بین آنها بشود.^۲

سید محمد صدر رحمته الله در کتاب تاریخ ما بعد الظهور از نظریه حکومت فرزندان مهدی _ به صورت احتمال نه قطع و یقین _ دفاع نموده است،^۳ اما در کتاب بعدی خود با عنوان بحث حول الرجعة پس از تحقیقاتی به نتیجه رسیده است که سخن قبل اشتباه بوده و پس از حضرت مهدی عجل الله فرجه حکومت در اختیار ائمه علیهم السلام گذشته قرار خواهد گرفت.^۴

نتیجه‌ی آنچه گذشت، این است که این دیدگاه نیز از لحاظ ادله بسیار ضعیف می‌نماید.

رجعت ائمه علیهم السلام

مادلونگ در موضوع جهان پس از مهدی عجل الله فرجه به رجعت و حکومت ائمه‌ی رجعت‌کننده‌ی بعد از ایشان اشاره‌ای نکرده است. ممکن است علت عدم اشاره او به رجعت، اثرپذیری ایشان از دیدگاه تند اهل سنت در موضوع رجعت باشد. به اختصار چند نکته درباره رجعت را بیان می‌کنیم.

۱. طوسی، الغیبه، ص ۱۵۱. برای بررسی و تحلیل تفصیلی سند و دلالت این روایت به کتاب ره افسانه نوشته محمد شهبازیان (ص ۱۲۲-۱۸۰) رجوع شود.
۲. عاملی، الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، ص ۴۰۱.
۳. صدر، تاریخ الغیبة الصغری، ج ۳، ص ۶۴۳.
۴. صدر، بحث حول الرجعة، ص ۲۷-۳۰. (ان يتولى الامر بعده أبأوه الاثمه المعصومون و رجوعهم الى الحياة بعد الموت ليحكموا العالم بعد المهدي...)

۱. مفهوم‌شناسی رجعت

«رجعت» در لغت، به معنای «بازگشت و تکرار» است؛^۱ یعنی برگشتن به جایی که پیشتر در آنجا بوده است، اما در اصطلاح مهدویت، «رجعت» عبارت است از بازگشت دو گروه از مردگان (مؤمنان محض و کافران محض) به صورت‌های پیشین خود، پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، تا مؤمنان از برپایی حکومت جهانی عدل، دلشاد کردند و کافران از فرومایگی و پستی ستمگران، دلگیر شوند.

۲. رجعت از دیدگاه شیعه

طبق آنچه آقا بزرگ تهرانی رحمته الله علیه در الذریعه آورده است؛ بیست تن از بزرگان شیعه درباره رجعت تألیف خاصی با عنوان «اثبات الرجعه» دارند.^۲

روایات زیادی از اهل بیت علیهم السلام درباره رجعت به دست ما رسیده که نشان می‌دهد رجعت در مجموع معتقدات شیعه، از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. برخی آن را از معتقدات مسلم و حق می‌دانند: «اعتقادنا في الرجعة أنّها حق»^۳ و برخی دیگر آن را از اعتقادات مورد اتفاق امامیه شمرده‌اند؛ مثلاً شیخ مفید رحمته الله علیه می‌نویسد: «و اتفقت الإمامية على وجوب رجعة كثير من الأموات إلى الدنيا قبل يوم القيامة: اماميه اتفاق بر رجعت عده‌ی زیادی از اموات به این دنیا قبل از روز قیامت دارند».^۴

ادله رجعت

علامه محمدتقی مجلسی (مجلسی اول) در کتاب روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه می‌نویسد:

قال الصادق ليس منا و من شيعتنا من لم يؤمن بكرتنا» أي برجوعنا في الرجعة الصغرى عند قيام القائم ... و قد قال الله «و يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا»^۵ و ورد الأخبار المتواترة من النبي و الأئمة فيها، و كتب أكثر محدثينا كتابا مفردا في ذكر الأخبار الواردة فيها...؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: از ما و از شیعیان ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نیاورد. خداوند متعال می‌فرماید: «به یاد آور روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۹۰.

۲. آقا بزرگ، الذریعه، ج ۱، ص ۹۱.

۳. صدوق، الاعتقادات، ص ۶۰.

۴. مفید، اوائل المقالات، ص ۴۶.

۵. سوره نمل، آیه ۸۳.

تکذیب می‌کردند، محشور می‌کنیم» و اخبار متواتر از پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت  وارد شده است و اکثر محدثین شیعه در این زمینه کتابی نگاشته‌اند.^۱

۱. زمان رجعت

شایان ذکر است که بزرگانی چون شیخ مفید رحمته الله علیه زمان وقوع رجعت را همزمان با ظهور دانسته‌اند. ایشان در این زمینه می‌نویسد: «القول في الرجعة: ... و ذلك عند قيام مهدي آل محمد عليه السلام». ^۲ نتیجه آنکه شیعه با ادله قرآنی و روایی، رجعت را یک حقیقت انکارناپذیر می‌داند. زمان وقوع این رجعت، همزمان با ظهور است، بر خلاف آن دسته از بزرگان که معتقدند بعد از وفات حضرت مهدی عليه السلام قیامت به پا خواهد شد. بسیاری از بزرگان به استناد همین روایات متواتر، قائل به حکومت ائمه اهل بیت عليهم السلام بعد از وفات ایشان هستند که با توجه به کثرت روایات این باب می‌توان این دیدگاه را از لحاظ ادله بر دیگر نظرات برتری داد. لازم به ذکر است که بخاطر کثرت روایات در باب رجعت، ادله و جزئیات آن و همچنین طولانی شدن و خارج شدن از موضوع، از ذکر آنها گذشته و خواننده محترم را به کتب حدیثی در این باب رهنمون می‌شویم.

نتیجه

مادلونگ یکی از مستشرقان پرتلاش و پرکار در عرصه‌ی اسلام‌شناسی است که آثار فراوانی دارد و در موضوع مهدویت نیز دارای تحقیقاتی است. در یکی از این تحقیقات، وی درباره جهان پس از مهدی بحث کرده است. او با اشاره به وجود روایات در این زمینه، دو دیدگاه «حکومت فرزندان» و «برپایی قیامت بعد از چهل روز آشوب» را مطرح می‌کند که ادله‌ی دیدگاه دوم را مورد قبول دانسته است، اما با بررسی بیشتر روشن می‌شود که پیرامون جهان پس از حضرت مهدی عليه السلام با توجه به روایات موجود در این موضوع چهار دیدگاه مطرح است:

۱. مجلسی اول، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۸، ص ۴۵۳.

۲. مفید، أوائل المقالات، ص ۷۷.

۱. دیدگاه نخست دیدگاه هرج و مرج پنجاه ساله است که به دلیل عدم اتقان روایت و موافق نظریه‌ی اهل سنت بودن، پذیرفته نمی‌شود؛
۲. دیدگاهی که قیامت را بیان می‌کند، به دلیل نبود روایت معتبر در مصادر، رد می‌شود؛
۳. حکومت فرزندان (مهدیون) که دیدگاه سوم است نیز پذیرفته نیست؛ به دلیل نبود روایت معتبری که به این معنا دلالت کند، بلکه در روایات دیگر، مهدیون را افرادی مبلّغ در زمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه معرفی کرده است که حاکمیت و امامت ندارند؛
۴. اما چهارمین دیدگاه، نظریه رجعت است که دارای روایت‌های متواتر است و می‌توان آنها را بر دیگر روایات ترجیح داد.

منابع

قرآن

۱. ابن‌ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم، **الغیبة (للنعمانی)**، ۱ جلد، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۳. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، **الذریعة إلى تصانیف الشیعة**، ۲۶ جلد، لبنان، بیروت، دار الأضواء، چاپ ۳، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۴. بهشتی مهر، احمد و محمود تقی‌زاده داوری، **بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی**، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی، ش ۶۰، تابستان ۱۳۹۳.
۵. جندقی، بهروز، **قائم آل محمد**، فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۱-۱۲، بهار ۱۳۸۲.
۶. _____، «**مهدویت از دیدگاه دین‌پژوهان و اسلام‌شناسان غربی دائره المعارف اسلام چاپ کمبریج (۱)**» فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۰، زمستان ۱۳۸۱.
۷. جوادی آملی، عبدالله، **امام مهدی موجود موعود**، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ سیزدهم، بهار ۱۳۹۶ ش.
۸. عاملی، محمد بن حسن، «**الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة**»، ۱ جلد، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۹. دهقانی آرانی، زهیر، **مهدویت در آثار ویلفرد مادلونگ**، ۱ جلد، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، پاییز ۱۴۰۰.
۱۰. شهبازیان، محمد، **ره افسانه نقد و بررسی فرقه یمانی بصری**، قم، مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، چاپ نهم، ۱۳۹۷.
۱۱. شهبازیان، محمد و عزالدین رضائزاد، **بازنگری در روایات جهان پس از حضرت مهدی از منظر شیعه**، فصل‌نامه مشرق موعود، ش ۴۲، تابستان ۱۳۹۶.
۱۲. صدوق، محمد بن علی، **الاعتقادات**، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. _____، **کمال الدین و تمام النعمة**، ۲ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۵۹ ش.

۱۴. صدر، محمد، «تاریخ الغيبة الصغرى»، ۴جلد، دار التعارف للمطبوعات، لبنان، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۵. _____، بحث حول الرجعة، بیروت، دار مکتب البصائر، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۱۶. طباطبائی، محمدحسین، شیعہ در اسلام، قم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، تاج المواید، بیروت، دار القار، ۱۴۲۲ ق.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، الغيبة (للطوسی)، کتاب الغيبة للحجة، ۱جلد، قم، دار المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸جلد، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۰. مجلسی اول، محمدتقی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، ۱۴جلدی، قم، بنیاد کوشانپور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۲. مفید، محمد بن محمد، أوائل المقالات، ۱جلد، قم، دار المفید، چاپ اول، ۱، ۱۴۱۳ق.
۲۳. _____، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ۲جلد، قم، دار المفید، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
۲۴. مقدسی شافعی سلمی و یوسف بن یحیی، عقد الدرر في أخبار المنتظر، ۱جلد، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، ۱۴۲۸ق.

پیوست‌ها

پیوست ۱: معرفی موضوع پژوهشی

پیوست ۲: معرفی پایان نامه

پیوست ۳: معرفی کتاب

معرفی موضوع پژوهشی

۱. نقش ادعیه و زیارات مهدوی در تقابل با فردگرایی مدرن
۲. راهکارهای ارتقای اثربخشی برنامه‌های اجتماعی معطوف به انتظار منجی در جامعه
۳. آسیب‌شناسی مهدویت‌پژوهی معاصر با رویکرد جامعه‌شناختی
۴. سنخ‌شناسی و مکانیزم‌های نظارت اجتماعی در عصر ظهور

منبع: کتاب نیازسنجی مهدویت پژوهی، ص ۱۳۷.

معرفی پایان نامه‌های مهدوی

عنوان: آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت

پدید آورنده: نجمه نجم

چکیده

در این تحقیق، با عنوان آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت قصد داریم به بررسی راهکارها و آموزه های مهدوی برای تربیت بشر و آثار تربیتی برگرفته از اعتقاد به ایشان و اعتقاد به راهکارها و آموزه هایشان بپردازیم. جهت نیل به این مقصود با استفاده از منابع لغوی، تربیتی، کلامی، روایی و تاریخی در بخش اول با نام کلیات، تحت عنوان دو فصل طرح تحقیق و مفاهیم و مقدمات، مباحث را آغاز نمودیم.

در بخش دوم با عنوان آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در سه دوره ی قبل از غیبت، غیبت صغری، و غیبت کبری (در اعصار گذشته و عصر حاضر) در سه فصل به بررسی راهکارها و آموزه های مهدوی برای تربیت بشر در هر یک از دوره‌ها پرداختیم و ضمن بررسی آثار تربیتی این راهکارها، شواهد تاریخی دلالت کننده بر وجود آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت را بر اساس شاخص های تربیتی ارائه شده در این اثر، جستجو نمودیم.

در بخش سوم، با توجه به جایگاه ویژه ی انتظار در اعتقاد به مهدویت و اثرات سازنده ی آن، با عنوان راهبرد انتظار و اثرات تربیتی ظهور با سه فصل راهبرد تربیتی انتظار، تربیت در عصر ظهور و آثار آن و موانع بروز آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، بحث را پی گرفتیم.

بدین ترتیب روشن شد برای تربیت مهدوی به عنوان آخرین و مهم ترین قسمت برنامه ی جامع تربیتی الهی، از ابتدا برنامه ریزی شده و در قبل از غیبت با زمینه سازی از طرف خداوند و انبیاء و ائمه علیهم السلام آماده سازی و جامعه پذیرسازی فرهنگی مهدویت صورت گرفته است و در نهایت در زمان غیبت صغری از طریق نهاد وکالت، توقیع و ملاقات و در زمان غیبت کبری با وجود غائب بودن امام، تربیت بشر با قوت دنبال شده است.

در نتیجه آثار تربیتی راهکارها در هر دوره و یافتن شواهد تاریخی دلالت کننده بر انتظار و صبر، انتظار و امید، تلاش برای آمادگی و اصلاح نفس، محبت، شکل گیری جنبش های مردمی و رهایی بخش و شکل گیری مدعیان مهدویت، نشانگر وجود آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در بین مردم در زمان گذشته، حال و آینده می باشد.

پرداختن به کیفیت تربیت حضرت در زمان ظهور و نشان دادن تصویری از آینده ی انسان و جهان به جهت آثار تربیتی حاصل از آن در جهت الگوگیری از اقدامات حضرت و یاران ایشان و ایجاد شوق و انگیزه ی رسیدن به مدینه فاضله در منتظران عصر حاضر بوده است که روشن است لازمه ی رسیدن به آن موعود، تهذیب و تربیت می باشد.

کلیدواژه: راهکارهای تربیتی مهدوی، شواهد تاریخی - تربیتی مهدوی، انتظار، امید و صبر، آمادگی و خودسازی، محبت، قیام و اصلاح.

دانشگاه: اصول دین، سال: ۱۳۸۷

استاد راهنما: دکتر مهدی مهریزی

عنوان: آسیب شناسی عصر ظهور

پدید آورنده: سکینه علی یاری

چکیده

آسیب عاملی است که سبب اختلال، ناهنجاری و آفت در پدیده‌ها می‌شود و از آن مطالب مختلف بر می‌آید، عصر ظهور شامل سه مقطع زمانی پیش از ظهور، روز ظهور و بعد از ظهور می‌باشد. عصر ظهوری که در مطالب فوق عنوان شد، مربوط به بعد از ظهور امام زمان علیه السلام است. روز ظهور هم که مربوط به قیام و جنگ‌ها و تصرفات امام علیه السلام می‌باشد. عصر ظهوری که پیش از ظهور می‌باشد، مقطعی است که در آن علائم و نشانه‌های ظهور منجی عالم بشریت نمایان خواهد شد. اگر ما مصادیق آیات و روایت را در مورد نشانه‌هایی که پیش از ظهور اتفاق می‌افتند (عالم گیر شدن و افزایش ظلم، فساد، فحشاء و ...) بر جامعه ی جهانی عصر خود تطبیق دهیم، می‌توانیم به جرأت بگوئیم که ما اکنون در عصر ظهور قرار داریم.

بررسی متون و پیشینه تحقیق

پیشینه نظری: هر چند اعتقاد به منجی نه تنها اندیشه ای شیعی و اسلامی بلکه مفهومی جهانی و فراملیتی است، اما وعده تحقق ظهور آخرین منجی انسان‌ها به طور اخص در مکتب شیعه، وعده ایست که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امان برحق شیعه و وارستگان و عالمان کوی حضرتش، بارها و بارها مردم را به برآورده شدنش نوید داده‌اند.

پیشینه تجربی: با مراجعه به سایت‌های اینترنتی و مراکز مثل پژوهشکده و حوزه علمیه فاطمه الزهرا علیها السلام موضوعاتی نزدیک به آن مشاهده شد. مانند: آسیب شناسی تربیتی مهدویت، آسیب شناسی آخر الزمان و بعضی زیرفصل‌های نزدیک به مطالب تحقیق من در کتاب‌هایی چون: آشتی با امام زمان علیه السلام و موعود شناسی و پاسخ به شبهات مشاهده شد.

اهداف تحقیق

الف- هدف کلی: بررسی و تبیین آسیب‌های عصر ظهور.

ب- اهداف فرعی:

۱. بررسی وضعیت فرهنگی انسان معاصر.
۲. تبیین علل بحران و بن بست‌های فرهنگی اومانیسیم.

سوالات تحقیق

۱. آیا عوامل فرهنگی، اخلاقی تأثیری در تضعیف روحیه انتظار و مهدوت جامعه دارند یا خیر؟
۲. چرا سیستم‌های حکومتی- مدیریتی، مهمترین عامل مولد فرهنگ تلقی می‌گردند؟

دامنه تحقیق

این تحقیق از پنج فصل تشکیل شده است که عبارت‌اند از:

فصل اول: کلیات (مفاهیم، تعاریف و روش‌ها)

فصل دوم: مبانی و اصول فرهنگی عصر ظهور.

فصل سوم: آسیب‌ها و بحران‌های فرهنگی عصر ظهور.

فصل چهارم: بررسی علل آسیب‌ها و رویکرد انسان معاصر در عصر ظهور.

فصل پنجم: مدیریت و رفع آسیب‌های عصر ظهور.

روش تحقیق

روش این تحقیق، کتابخانه‌ای یا اسنادی است که از طریق مطالعه منابع و فیش برداری از آنها می‌باشد.

نتیجه گیری

نتایج حاصله از تحقیق نشان می‌دهد که اسلام، به عنوان کاملترین دین می‌تواند پاسخگوی نیازهای جهان‌وازی بین برنده‌ی کاستی‌ها و مشکلات باشد، و با توجه به مشکلات و نارسائی‌ها و کاستی‌های موجود در عصر حاضر و نیز با دقت و تأمل در نیازها و خواسته‌های بشر در حرکت به سوی یکپارچگی و اتحاد جهانی که متناسب با فطرت آنان است، به این نتیجه روشن و بدیهی دست می‌یابیم که اینک بهترین فرصت و موقعیت برای ترسیم چهره‌ای روشن و گویا از نظام جهان مهدوی علیه السلام است.

کلید واژه: آسیب، عصر، ظهور

دانشگاه: مدرسه علمیه فاطمة الزهراء علیها السلام - ایلام، سال: ۱۳۸۷

استاد راهنما: سرکار خانم سیده نظیره موسوی مقدم

عنوان: بررسی آموزه ظهور منجی در ادیان ابراهیمی

پدید آورنده: اسد الله آژیر

چکیده

نجات، غایت اساسی ادیان است که بسته به زمینه‌های فرهنگی مختلف از دینی تا دین دیگر معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. در چارچوب هر یک از سنت‌های دینی نیز مفهوم نجات دچار تحول و تعبیر می‌گردد. در تاریخ سه دین ابراهیمی و به خصوص در تاریخ سنت اسرائیلی، شاهد مراحل مختلف تحول مفاهیم دینی و از جمله مفهوم نجات می‌باشیم. یکی از مؤلفه‌های اصلی این مفهوم در سنت‌های مذکور، منجی محور بودن آن است، یعنی در قیاس با برخی ادیان شرقی، نه خود انسان بلکه خداوند عهده‌دار عمل نجات انسان و یا انسان و جهان، هر دو است. در اینجا نجات همچون پرسش توحیدی است.

باور به حضور یک عامل انسانی در نجات جمعی اینجهانی، باوری است که در مراحل سپس تر تاریخ این ادیان، بروز بیشتری دارد. و به موازات آخرالزمانی، فرجامین، کیهانی و معنوی تر شدن مفهوم نجات، چهره منجی مورد انتظار نیز آسمانی و فرجامین تر میشود. باور به نجات و منجی فرجامین در ادیان کهنتر خاورمیانه از جمله ادیان ابراهیمی، با مفهوم خدا و نجات در آن دین، دارای سازگاری بیشتری است، و لذا ظهور این باور نیز در سنت مزبور از پیشینه بیشتری برخوردار است. با توجه به تماس تاریخی فرهنگ‌های زرتشتی و اسرائیلی، تاثیر اولی بر دومی در مقوله فرجام‌شناسی و منجی‌باوری بسیار محتمل است.

اسامی، عناوین، ویژگیها و کارکردهای چهره‌های نجات بخش در سنت‌های ابراهیمی، متناسب با مفاهیم مختلف نجات در این سنت‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. مسیحا، پادشاهی است که قوم اسرائیل را به سرزمینش بازمی‌گرداند و پادشاهی داوودی را احیا می‌نماید؛ مسیح، پسر خداوند است که بر گناه و مرگ غلبه می‌یابد، و در عین حال پادشاهی خداوند را برقرار می‌سازد؛ مهدی، امامی است که به مثابه جانشین پیامبر اسلام ﷺ، رهبری سیاسی جامعه اسلامی را از حاکمان غاصب سلب می‌نماید و آن را همراه با رهبری دینی توأمان بر عهده می‌گیرد. در محافل مختلف دینی-سیاسی و مراحل مختلف تاریخی، تصویر و تصور ناظر به این نجات‌بخشان دچار جرح و تعدیل می‌شود.

انتظار ظهور نجات‌بخش نیز در طول تاریخ هریک از سنت‌های مزبور همواره یکسان نبوده است.

معمولاً در دوره‌ی نخست شکل‌گیری انتظارات منجی باورانه، توقع بر آن است که چهره نجات‌بخش در آینده‌ی نزدیک ظهور خواهد نمود. تاخیر در ظهور، از طرفی موجب یأس در باورمندان می‌گردد، و از طرف دیگر

سنت پیشگوئی زمان و علائم ظهور شکل میگیرد. با فرارسیدن زمان پیشگوئی شده و عدم تحقق آن، موعد ظهور به آینده‌ی دور تر و یا به آخرالزمان به تعویق می‌افتد. وجود سنت مزبور باعث میشود که به خصوص در دوره‌های رنج و سختی، برخی چهره‌ها به عملگرایی روی آورند، و خود را نجات‌بخش یا پیشاهنگ و زمینه‌ساز او معرفی نمایند

نهادهای رسمی در تاریخ سنت‌های ابراهیمی، پیروان را از عملگرایی و تعجیل در امری که خداوند برای آن زمان معینی را مقرر داشته است، بر حذر داشته اند، چرا که این کار دخالت در امر خدا محسوب می‌شود.

دانشگاه: دانشگاه قم، تربیت مدرس

استاد راهنما: آقای دکتر مجتبابی

عنوان: بررسی تطبیقی علائم ظهور مهدی و مسیح علیه السلام

پدید آورنده: حجت‌الله رجبی

چکیده

اعتقاد به ظهور منجی موعود الهی در آخرالزمان، برای برقراری نظام سیاسی و اجتماعی عدالت‌محور و نجات انسان از ظلم ظالمان و استعمار و استثمار استعمارگران و برپایی مدینه فاضله، مورد اتفاق تمام ادیان توحیدی بوده و حتی در میان ادیان غیر توحیدی نیز بروز و ظهور دارد که این مسأله اولاً حاکی از اهمیت این مسأله در میان جوامع مختلف با انواع گرایش‌های دینی و فکری و اعتقادی بوده و ثانیاً حاکی از فراگیری و عمومیت و جهان‌شمولی این اعتقاد می‌باشد که ریشه در تعالیم انبای الهی داشته و از فطرت انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد که خداوند در وجود انسان‌ها به ودیعت نهاده است.

این باور عمومی در دو دین طرفدار اسلام و مسیحیت، نمود بیشتری داشته و در متون مقدس هر دو آیین مخصوصاً در آموزه‌های اسلامی به بسیار از شرایط و جوانب و حوادث مربوط به این اتفاق عظیم و سرنوشت‌ساز اشاره شده است که بعضی از این امور مخصوصاً در دین مسیحیت دارای ابهام بوده و رمزگونه بیان شده است که از طرف مفسران و شارحان تفسیر و تاویل گشته‌اند.

در هر دو آیین پیشگوییها و علائم و نشانه‌های فراوانی در مورد وقایع و حوادث آخرالزمانی در متون مقدسشان به چشم می‌خورد که در تعداد زیادی از آنها وجوه اشتراک فراوانی می‌توان پیدا نمود همانطور که در پاره‌ای از موارد با هم اختلافاتی نیز دارند که با تطبیق این علائم و نشانه‌ها با یکدیگر، اولاً اصل مسأله مهدویت به عنوان باوری الهی و عمومی و فطری را اثبات نمود و ثانیاً جلوی سوءاستفاده مستکبرین و سوءاستفاده کنندگان را از این آموزه فرابشری را گرفت.

دانشگاه: حوزه علمیه قم

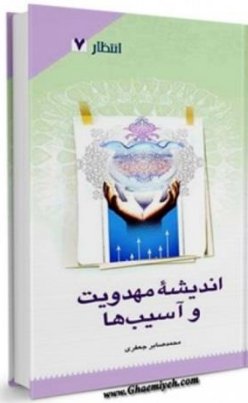
استاد راهنما: حجت‌الاسلام دکتر محمود احمدی

استاد مشاور: حجت‌الاسلام دکتر محمد تقی ربانی

معرفی کتاب‌های مهدوی

۱. اندیشه مهدویت و آسیب‌ها (انتظار ۷)

نویسنده: محمد صابر جعفری



انتشارات: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج سری کتابچه‌های پالتوئی «انتظار» را با هدف طرح و تبیین مباحث مختلف مهدویت به صورت ساده، موضوعی و کم حجم تألیف کرده است. هفتمین شماره از این مجموعه با عنوان "اندیشه مهدویت و آسیب‌ها" به آسیب‌شناسی مباحث مهدویت پرداخته است.

مؤلف در مقدمه کتاب می‌نویسد: هر امر مهمی به نسبت اهمیتش، در معرض خطرها و آسیب‌هایی است. مقوله‌ی مهم مهدویت هم با اثرات بسیار حیاتبخش و بهجت زای خود که

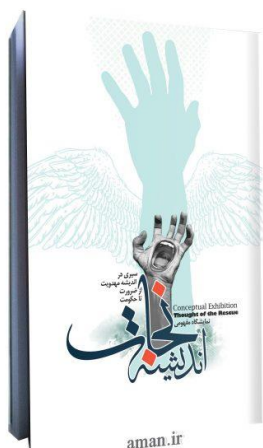
کمترین آنها امید به آینده و فرودنیاوردن در مقابل حوادث، ستم‌ها و سختی‌هاست، از این قاعده مستثنی نیست. نویسنده در این کتاب به بررسی برخی آسیب‌ها با تبیین آثار و خاستگاه هر یک پرداخته است تا راه مبارزه و درمان آن‌ها روشن گردد و این آسیب‌ها مربوط به پیش از ظهور و در دوران غیبت است. این آسیب‌ها عبارتند از: برداشت‌های انحرافی از مقوله‌ی انتظار، افراط و تفریط در ارائه چهره‌ی مهر و قهر از امام عصر علیه السلام، طرح مباحث غیر ضروری، تعجیل، توقیت، تطبیق، افراط و تفریط در تبیین مفهوم غیبت، ملاقات‌گرایی، آرزوگرایی بی‌عمل، عاشق‌نمایان دنیاخواه، مدعیان دروغین مهدویت و نیابت خاصه و عامه، عدم پیروی از ولایت فقیه و نواب عام، و فعالیت‌های غرب و مستشرقان است.

مطالعه این کتاب کم حجم، علمی و مفید که با قلم جناب محمد صابر جعفری به رشته‌ی تحریر در آمده است، به همه فرهیختگان علاقه مند به مباحث آسیب‌شناسی در حوزه معارف مهدویت پیشنهاد می‌شود.

۲. اندیشه نجات (سیری در اندیشه مهدویت از ضرورت تا حکومت)

نویسنده: کاری از معاونت فرهنگی-آموزشی مجتمع فرهنگی-آموزشی یاوران حضرت مهدی علیه السلام

انتشارات: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام



مهدویت طرح جامع، علمی و نظام‌مند اسلام است که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله آن را برای بشریت به ارمغان گذاشت و اجرای کامل آن را به ظهور خاتم اوصیا، حضرت مهدی علیه السلام سپرده است. اندیشه نجات، مجموعه‌ای نمایشگاهی در مجتمع فرهنگی آموزشی یاوران حضرت مهدی علیه السلام در قم است که ترسیمی از این باور مقدس را در قالب هنرهای تجسمی و هنری به مخاطب خود ارائه می‌دهد. اثر پیش رو بر آن است تا این تلاش مبارک را تا حد امکان با معرفی منابع

نوشتاری، صوتی و تصویری مرتبط با معارف مهدویت، تکمیل نماید. به همین خاطر درباره آشفستگی جهان، منجی در ادیان، فلسفه‌ی غیبت، نیابت عامه، انتظار پویا و آسیب‌شناسی، دشمن‌شناسی و ... با عناوینی همچون: ۱- جهالت مدرن ۲- پنجره ۳- آب، آینه، آفتاب ۴- خورشید ۵- هوای ابری ۶- ساکن داران ۷- صعود ۸- سقوط ۹- مکاران ۱۰- جاده ۱۱- طلوع به معرفی توصیفی کتاب، نرم افزار و پایگاه‌های مجازی پرداخته شده است.

مخاطب با مطالعه‌ی این اثر می‌تواند با منابع متعدد و مرتبط و کتاب‌های مورد نیاز به راحتی آشنا گردد.

کتاب «اندیشه نجات» تحت دوازده عنوان اصلی تألیف شده تهیه آن به عموم مخاطبان، نهادهای، مجموعه‌های فرهنگی و علاقه‌مندان توصیه می‌شود.

۳. بهاری ترین روز

نویسنده: حسن محمودی



انتشارات: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
نویسنده در این اثر با طرح قسمت‌های مختلف و متنوع از جمله بیان داستان و شعر کودکانه، جمله‌سازی، یادآوری اعمال روز عید غدیر، روایت و جورچین و ... تلاش نموده تا مسأله جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله، وقایع روز غدیر، یاد امام زمان (علیه السلام) در غدیر و مهربانی اهل بیت علیهم السلام را در قالبی جذاب و موجز بیان می‌کند.
کتاب بهاری ترین روز با قلم آقای حسن محمودی به رشته تحریر در آمده است
این اثر می‌تواند به عنوان کتاب کمک آموزشی هدیه‌ای مناسب برای دانش آموزان باشد.

۴. پژوهشی درباره جزیره خضراء (انتظار ۹)

نویسنده: مجتبی کلباسی



انتشارات: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج سری کتابچه‌های پالتوئی «انتظار» را با هدف طرح و تبیین مباحث مختلف مهدویت به صورت ساده، موضوعی و کم حجم تالیف کرده است.

"پژوهشی درباره جزیره خضراء" نهمین جلد از این مجموعه بشمار می‌آید.

این کتاب جریان جزیره‌ی خضراء، داستان‌های مطرح شده، اشکالات مربوط به آن و ... را بررسی و مورد ارزیابی و نقد قرار می‌دهد.

نویسنده اذعان دارد که از داستان‌هایی که تحت تاثیر حوادث زمان خود، پدید آمده و پس از مقداری تحریف، تطبیقی بی‌جا درباره‌ی آن صورت گرفته و در برخی کتب روایی شیعه نفوذ کرده، داستان «جزیره خضراء» است.

از آن‌جا که در دو دهه‌ی گذشته با قلم فرسایی برخی افراد بی‌اطلاع از تاریخ، این داستان منتشر شده و به علاوه، در تکلفی ناشیانه، آن را به بر مثلث پرمودا تطبیق کرده‌اند، لازم است درباره‌ی این واقعه، کنکاش بیشتری صورت گیرد تا اذهان ارادتمندان به حضرت ولی عصر از این گونه خطاها پیراسته شود. به همین خاطر کتاب «پژوهشی درباره جزیره خضراء» به بررسی دو داستان معروف در این زمینه پرداخته و هر دو را از لحاظ سندی و متنی تحلیل نموده است و با بررسی‌های تاریخی زمان وقوع داستان‌ها، نشان داده که هر دو داستان از نظر سند غیر قابل اعتنا و دارای اشکالات و تناقضات بسیاری است و احتمالاً این داستان‌ها، بازتاب حوادث زمان نقل آن‌هاست و با آنچه در عرصه‌ی تاریخ و جغرافیای آن زمان می‌گذشته، مرتبط است.

A study and critique of Wilferd Ferdinand Madelung's views on the world after Imam Mahdi (pbuh)

Sayyid Ali Kāzimi¹

To benefit from the methods of study and the use of an international language and, of course, because of broadness and variety of the audience, it is very essential for the experts in the field of Mahdism to study the Orientalists' views on Mahdism. In this regard, the examination of the views of some well-known Orientalists like Wilferd Madelung is doubly necessary due to his outstanding and high influential research characteristics, and diversity of his works.

This article uses the descriptive-analytic method. The rule of children and the establishment of the Day of Judgment are two views that Madelung applies about the world after Imam Mahdi, and considers the establishment of the Day of Judgment in agreement with most Hadiths. After the review, it becomes clear that this field has four views. Although some researchers believe in the narrations related to the establishment of the Day of Judgment, the view of the partial resurrection (Raj'at) of the Imams during the Imam Mahdi's appearance and their ruling after Imam Mahdi (pbuh) is more compatible with the Hadiths.

Keywords: Madelung, apocalypse (the End of Time), world after Mahdi, partial resurrection (Raj'at).

1. Student of level 4 at Maw'ūd Institute in Qom Seminary;

A survey on the title of "Hujjat Allah" (the agent of Allah) from the viewpoint of Infallible Imams' Hadiths

Sayyid Hussein Sharīfi¹

Analyzing the titles of Ahl al-Bayt (Infallible Imams) is very important. The present article seeks to examine the title Hujjat Allah in terms of the possibility of its exclusiveness to Imam Mahdi. This research, through using Hadith sources, attempts to firstly state that the mentioned title is used for all the Imams; but some scholars, like the late 'Allāmah Majlisī say that this title is exclusive to Imam Mahdi (pbuh) because he is the last proof of Allah the Almighty on earth however a collective aspect is also mentioned that if there is a presumption to a certain infallible Imam, it is clear that this title will be specific to that Infallible person, but if it comes in a generic term, it will refer to Imam Mahdi (pbuh) however, we do not have any narration based on this matter. though this conclusion is weak, the weakness has been compensated by the practical way of scholars.

Keywords: title, Imam Mahdi, Hujjat Allah, the Imams.

1. Student at the Mahdism specialize center of Qom.

Examining the verses related to Mahdism in Surah al-'Anbīyā

Sayyid Muhammad Javād Aḥmadī¹

Several verses of the holy Qur'an, through the methods of interpretation and inner meaning, refer to the teaching of Mahdism based on the Shi'a's point of view. Surah al-'Anbīyā is one of the Qur'anic chapters in which some issues related to Imam Mahdi (pbuh) are mentioned in several of its verses so, it is necessary to examine them carefully.

The present research has investigated this type of verse in the mentioned Surah by a library-based method with a descriptive-analytic approach. By studying these verses as well as by using the related Hadiths, some items such as the punishment of the oppressors by the Imam, his Imamate and leadership, the issue of Raj'at (partial resurrection), and the domination of righteous people on the earth in the future will be realized.

Keywords: Quran, Surah al-'Anbīyā, Imam Mahdi, righteous people, Raj'at.

1. Student of level 3 at the Mahdism specialized Center;

Deceptionology of deviant and misleading movements in fronting the culture of Mahdism

Hujjat Heydari Charāṭī¹

Worldliness and manipulating misinformed people have always threatened the values and beliefs of a society and led to deviance, paving the way for the incidence of harmful and deviant thoughts. Correct and appropriate actions will save the society from falling into the trap of deviant sects within the religious society; hence, to deal with deviant tricks, it is necessary to know the Mahdism culture and in the course of raising the level of awareness of the people in the society and to think of ways to preserve the authenticity of Mahdism.

The present article deals with the most important of these tricks and in terms of the time, it has included all the periods mentioned in the issue of Mahdism and in terms of the location, it has considered the Islamic countries. Based on the findings, the abuse of people's emotions and their unawareness has provided a suitable ground for fostering suspicions and rumors, and deviant interpretations about the teachings of Mahdism. This research aims at studying some related documents by a library-based method with a descriptive-analytic approach.

Keywords: Mahdism, misleading movement, trick, culture.

1. Dean at Research Group of the Criticism of Deviant Sects.

In the Name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful

فصلنامه علمی تخصصی
مطالعات مهدوی

Tenth Year, Vol. 54, Winter 1400 (2022)

Magazine Owner: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya
(Dynamic Awaiting), Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

<p>Responsible Manager: Clergy of Islam and Muslimin Mahdi Yousefiyan</p> <p>Editor in Chief: Sa'eed Tavasoli Khah</p> <p>Internal Manager and Editorial Staff: Hujjat al-Islam Sayyid Ali Kazemi</p> <p>Editor: Mohammad Reza Mojiri</p> <p>Translator: Hujjat al-Islam Hamid sa'adat</p>	<p>Editorial Board (Alphabetically Ordered):</p> <p>Tavasoli Khah, Sa'eed (Ph.D. in Teaching Islamic Studies, Researcher at the Specialized Center of Mahdism)</p> <p>Heidari Charati, Hojjat. (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)</p> <p>Kamyab, Moslem. (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)</p> <p>Moslehi, Ali. (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)</p> <p>Ma'navi, Seyyed Mojtaba. (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)</p> <p>Mollaei, Hasan. (Seminary Scholar, Head of Group of Ethics at the Specialized Center of Mahdism)</p> <p>Contributors of this Issue: Ali Rabbani, Mohsen Shari'ati</p>
---	---

Address: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar
Pooya, Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada St.
(Safaeyeh), Qom.

Tel: 025-37841410

Fax: 025-37737160

P.O.B: 37135119.

Website: <http://mamdimag.ir>

Email: mahdimag@gmail.com

Social network channel Address: @mahdaviatmag

ISSN: 2717-0241

Price: 950000 Rials

